

واقع بینی و روشن نگری در درک خطر امپریالیسم امریکا باید با تامین اتحاد کلیه نیروهای انقلابی تکمیل شود

امپریالیسم آمریکا بزرگترین دشمن انقلاب ایران و مولود آن جمهوری اسلامی ایران است. امپریالیسم آمریکا منافع عظیمی را بواسطه انقلاب ایران از دست داده است و برای بازگرداندن آن منافع از هیچ تلاش، جنایت و توطئه‌های فروگذار نمی‌کند. تمامی امپریالیستهای اروپای غربی، ژاپن و دولت‌های دست‌نشانده امپریالیسم، متحدان امپریالیسم آمریکا و زیربهری آن در توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران مشارکت دارند.

امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن انقلاب ایران، برگرد کشورها، حلقه‌های از کانونهای توطئه برای تربیت مزدور، کشیده و نیروهای نظامی خود را در پایگاههای اطراف ایران و در آبهای نزدیک ایران متمرکز ساخته است، تادر لحظه مناسب بر انقلاب ایران ضربت مهلك وارد آورد.

امپریالیسم آمریکا از طریق جاسوسان سیا، که بطور مخفیانه وارد ایران شده‌اند، و نیز بوسیله بقیه در صفحه ۲

سیم آخر...

هشیار باشیم که مبادا جو مورد نظر برای تضعیف مواضع جمهوری اسلامی را ایجاد کنند.
بسر نوشت انقلاب بیاندیشیم، زیرا «نامه» قطب زاده آنرا مورد مخاطره قرار میدهد.

بقیه در صفحه ۷



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۸
شماره ۲۵ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ربهال

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود «اشغال دفاتر گروها و بعضی از روزنامه‌ها و...» را توسط «اشخاص متفرقه»، «خلاف مقررات جاری و مخمل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی...» مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم دانست.

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود گفته است که این قبیل اعمال مطمتاً بهانه خوب و زمینه مساعدی است که ضد انقلاب زیر پوشش آن نیت و افکار و تشمعی خود را عملی سازد.

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود یادآور شده است که «اینگونه اعمال جز هرج و مرج ثمره دیگری نخواهد داشت».

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود تأکید کرده است که «لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی می‌زنند، پشت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت».

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود متذکر شده است که «اماکنی که تاکنون به طریق یاد شده تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان کل کشور و یا دانستنی انقلاب اسلامی و پاکت مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد».

دادستان کل کشور

در مصاحبه خود گفته است که «عمله به گروهها بدر خط نیست».

با توجه به اطلاعیه و مصاحبه دادستان کل کشور

ما می پرسیم:

آیا کسانی که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه مردم در تهران و دفاتر حزب ما را در شهرستانها اشغال کرده‌اند، و محرکین اشغال لکران، میتوانند خود را «انقلابی»، «مسلمان متعهد» پیرو خط امام و تابع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدانند؟

آیا کسانی که حتی پس از اطلاعیه دادستان کل کشور به دفاتر و کتابفروشی‌های حزب ما در برخی از شهرستانها حمله کرده‌اند، اعلان جنگ آشکار به جمهوری اسلامی ایران نداده‌اند؟

چرا امروز پس از اطلاعیه دادستان کل کشور دفاتر حزب ما و دفتر نامه مردم، همچنان در اشغال «اشخاص متفرقه» است؟

چرا کسانی که خلاف مقررات جاری عمل کرده‌اند، مخمل امنیت قضائی اند، موجب تضعیف ارگانهای مملکتی شده‌اند، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم عمل کرده‌اند، برای ضد انقلاب بهانه خوب و زمینه مساعد فراهم کرده‌اند تا زیر پوشش آن بتوانند نیت و افکار و تشمعی خود را عملی سازد، با اعمال خود هرج و مرج ایجاد کرده‌اند، و در خط امام نیستند، دستگیر و مجازات نمیشوند؟

ما در انتظار پاسخ مقامات مسئول

کشوریم

چرا قراردادهای موجود امپریالیستی افسا و لغو نمی شود

مردم انقلابی ما برآورده ساخت و بدین ترتیب فرصتی طلایی را از دست داد. سیاست "گام به گام" دولت مهندس بازرگان، که تعلل و سازشجویی دو ویژگی بارز آن بود، نه تنها آهنگ روند انقلاب را شتاب بخشید، بلکه، از یک سو در زمینه داخلی، به انباشت و افزایش عوامل ناراضی کمک کرد، و از سوی دیگر در زمینه خارجی، امید امپریالیستها را، برای بازیافت سنگرهای از دست رفته‌اش در ایران، برانگیخت و بدینسان عملاً شرایط هجوم ضدانقلابی آنها را علیه جمهوری اسلامی ایران در مراحل بعد تسهیل کرد.

مادرستونهای "نامه مردم" و دیگر نشریات و بقیه در صفحه ۲

لغو قراردادهای امپریالیستی یکی از شرایط بنیادی رهائی از قید وابستگی و تامین استقلال راستین کشور است

در هفته‌ها و روزهای گذشته، بویژه پس از یادآوری سامحکاریها و سازشجویی‌های دولت موقت و ضرورت انقلابی جعل کردن توده‌های مردم و دولت آینده از سوی امام خمینی، بحث وسیعی درباره کارنامه "دولت موقت" در رسانه‌های گروهی در گرفت. می‌توان گفت که بخش قاطعی از نیروهای انقلابی این نتیجه گیری دیرینه حزب ما را یادآور گشته‌اند که، "دولت موقت" خواستهای لحظاتی تأخری پس از پیروزی انقلاب و انتظارات

حجت الاسلام خامنه‌ای:

يك توطنه عظیم در سطح مملکت با هدایت عمال اجنبی در خارج از کشور در حال تکوین است

دو چیز بیش از همه احتیاج دارند یکی امنیت و دیگری رفاه. اتفاقاً «دو چیز» بسیار مهمی هم هستند.... امروز مردم ما احساس و احتیاج میکنند اولاً به یک امنیت کامل چه در مرزها چه در مناطق دور دست از تهران و چه در خود تهران. امنیت است که، بوسیله ضد انقلاب در این یک سال و نیم عمداً بر هم زده شده و خدشه دار شده است.

و سپس رفع بیکاری، رفع گرسنگی، رفع بیکاری، رفع گرانی و ایجاد کار و اشتغال و کار آفرینان صنعت. می بینیم که دو مسئولیت بسیار مهم بر دوش این دولت است. و مردم این ها را می خواهند. این دولت چه باید بکند؟

این دولت باید از تمام نیروهای که در این جامعه وجود دارد از شور انقلابی از رهنمود امام، از کمک مردم، از دست اندر کاری افراد دلروز، از همه شیوه‌ها استفاده کند تا این دو منظور و دو خواسته را بتواند تأمین کند. توطئه ضد انقلاب از همین جا شروع میشود. ضد انقلاب سعی می‌کند که بگذارد این ۲ منظور اصلی مردم که دور کن اصلی سعادت جامعه از لحاظ مادی هم هست تا همین بشود.

حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران در خطبه‌های نماز جمعه دیروز، ضمن تأکید بر ضرورت تشکیل کابینه‌ای انقلابی و همگون و ضمن هشدار دادن نسبت به توطئه‌های دشمن از جمله گفت: از او (نخست وزیر) بنام مردم طلب می‌کنیم که کابینه خود را هم چنانکه امام در رهنمود خود فرمودند، بگذرد و انقلابی و همگون و همکار انتخاب کنند.

همانطور که در روز عید فطر گفتیم، یک توطنه عظیم در سطح مملکت با هدایت عمال اجنبی در خارج از کشور در حال تکوین است... ما امروز نشانها و شواهد این توطئه را داریم می بینیم. ما باید از ملت و دولت مجموعاً بر روی هم یک واحد مستحکم بوجود بیاوریم که بتواند در مقابل تمام این توطئه‌ها مقاومت بکند. اگر ملت و دولت پایه پا دست به دست و دوش به دوش در راه این انقلاب با هم حرکت نکنند و همکامی نکنند یقیناً ضد انقلاب پیروز خواهد شد.

وی سپس با اشاره به نیازهای مردم و وظایف دولت در قبال آن گفت: «در حوزه» نیازهای مادی مردم به

پشتیبانی شوروی از انقلاب اسلامی ایران

رادیو مسکو - اتحاد شوروی از نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایران از این انقلاب پشتیبانی کرده و می‌کند. اتحاد شوروی دسیسه‌های دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیستها و صهیونیستها را فاش می‌سازد. کشور شوروی، صرف نظر از اینکه چه مواضعی در راه حسن همجواری شوروی و ایران بوجود آید، همیشه این سیاست را در مورد ایران دنبال خواهد کرد.

پشتیبانی از راه حق ملت‌ها و مبارزه ضد امپریالیستی و ملی آزادبخش آنان اصل بنیادی سیاست خارجی شوروی است. حمایت اتحاد شوروی از انقلاب ایران و پشتیبانی از خواست عادلانه ملت‌های خاور میانه در مورد خروج نیروهای اسرائیل از تمام سرزمین‌های اشغالی اعراب، منجمله از بیت المقدس، مورد این امر است.

(بمنقل از یکپان، ۲۳ مرداد ۵۹)

همکاریهای نظامی و فعالتهای توطنه گرانه رژیمهای وابسته در منطقه

دیدار ضیا الحق دیکتاتور نظامی پاکستان و صدام حسین دیکتاتور رژیم بعثی عراق از عربستان سعودی، نمایانگر نزدیکی و گسترش همکاریهای نظامی رژیمهای وابسته ضد خلقی در منطقه است، که طبق رهنمودهای امپریالیسم آمریکا و با هدف فراهم کردن زمینه تشکیل اتحادیه سیاسی- نظامی از رژیمهای دست‌نشانده و وابسته به آمریکا، برای رویارویی با جنبش‌های انقلابی خلقها و کشورهای مستقل ملی در این منطقه انجام می‌گیرد.

امپریالیسم آمریکا پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در همین ماه و پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان، که موجب تحولی شگرف در اوضاع سیاسی و نظامی منطقه گردید، بر آن شد که در دو جهت به ترمیم و تقویت مواضع سیاسی و نظامی خود در این منطقه بپردازد، تا موقعیت سلط خود را در منطقه، که در نتیجه پیروزی این دو انقلاب متزلزل گشته، جبران کند.

امپریالیسم آمریکا ضمن تقویت پایگاههای نظامی خود در دیوکو گارسیا در اقیانوس هند، پایگاه مصریه در عمان و تاسیسات و پایگاههای نظامی در عربستان سعودی و پاکستان، به ایجاد پایگاههای نظامی جدید در سومالی، کنیا و مصر پرداخت و گسترش حضور نظامی خود در آبهای اقیانوس هند، تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان را به مقیاس بیسابقه‌ای رساند. این فعالیتها با هدف استراتژیکی - نظامی آمریکا به مقیاس جهانی و همچنین برقراری و تقویت کنترل نظامی بر اوضاع منطقه، جهت پیاده کردن طرحهای توطئه گرانه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱
واقع بینی و...

دیگر عمل پنهان و آشکار خود، شبکه وسیع سیاسی و نظامی برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان داده است.

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا پایان ندارد و در صورت عدم مقابله جدی با آنها، هر حلقه توطئه، خطرناکتر و گسترده‌تر از حلقه پیشین به مرحله عمل درمی‌آید. در این کارزار مرگ و زندگی، از امپریالیسم آمریکا نباید هراسید و با فریب خورد، بلکه باید با قاطعیت و جدیت، بی‌تزلزل و متردد، تا به پایان رشته‌های وابستگی به این جهانخوار سفاک را قطع کرد، مزدوران آنرا بی‌محابا قلع و قمع نمود و به پیش رفت. توقف، ترس و عقب‌نشینی در حکم مرگ است...

تجربه تلخ افت و خیزهای ۱۸ ماهه پس از انقلاب ایران، بوضوح امپریالیسم آمریکا را در چنین ابعادی به توده‌های مردم و مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران شناسانده است. حزب توده ایران بخود می‌بالد که در افضای یکایک این خصایص و ویژگیها، که عدم توجه به هر یک از آنها، خونهای بسیاری از بیکرانقلاب ایران به زمین ریخته و ضربات جدی بر جمهوری اسلامی ایران وارد ساخته است، نقش مهمی ایفا کرده و از همان ابتدا امپریالیسم آمریکا، این هشت پای توطئه‌گر، خون‌آشام و دام‌گستر را، همانطور که هست، ترسیم کرده است.

واقعیات ۱۸ ماهه اخیر، مشت تزویر بسیار کسان را، که آگاهانه پرده برواقعیت، فوریت و جدیت خطر امپریالیسم آمریکا می‌کشیدند و می‌کوشیدند تا انقلاب را به راه سازش با این دشمن سفاک بکشانند، گشود، اذهان نیروهای صدیق را روشنی بخشید و این واقعیت را با برجستگی خاصی به نمایش گذارد که هرگونه تزلزل و انحراف در مبارزه ضد امپریالیستی، هر گونه بی‌توجهی به نقش متحدین و دست‌نشانندگان امپریالیسم آمریکا در پیشبرد توطئه‌های این امپریالیسم، و هرگونه سامحه در مورد پالایش نهادهایی که از دوران تسلط رژیم مغزور سلطنتی بجامانده و احتیاج به دگرگونی عمیق و بنیادی دارد، جز بسود اهداف این دشمن غدار، که همانا انهدام کامل انقلاب ایران است، یاری نمی‌رساند.

آنها که می‌کوشیدند تا آمریکا را "نترسانند" و در حقیقت کمک کردند تا امپریالیسم آمریکا حلقه توطئه خود را بر برگرد انقلاب ایران محکم‌تر سازد، بطور عمده از مقابل انقلاب به کنار رانده شدند. آنها که می‌کوشیدند تا همدستان توطئه امپریالیسم آمریکا، یعنی امپریالیستهای اروپای غربی و ژاپن را "مستقل" و دوست انقلاب ایران بنمایانند و آنها که از روی ناآگاهی به این دروغ بزرگ باور می‌کردند، به کنار رانده شدند و یا آگاه گشتند. آنها که رژیمهای دست‌نشانده و سرسپردهای چون ضیا‌الحق‌ها و قابوس‌ها را، که پایگاه‌های توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران هستند، "مترقی" و "مستقل" می‌نمایانند و با آنها در کنفرانس‌های آمریکا فرموده شرکت می‌کردند، افتاد شدند. آنها که تبلیغ می‌کردند ارتش بطور کامل در خط انقلاب قرار دارد و کلیه عوامل و سرسپردگان امپریالیسم و رژیم شاه سابق در درون آن پس از انقلاب یا "توبه کرده‌اند" یا تصفیه شده‌اند، در برابر ۷ توطئه‌ای که تاکنون در ارتش کشف شده، اجبارا مهرسکوت بر لب زدند.

تجربه ۱۸ ماهه انقلاب، اندک‌اندک ویژگی‌های اصلی خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب را که امپریالیسم آمریکا را شیطان بزرگ میدانند و خواستار تجمع کلیه نیروها و توجیه ساختن کلیه سلاحها علیه آن است، آشکار ساخت و به پیش برد و خطوط جعلی و انحرافی را در نظر توده‌ها و مسئولان بی‌اعتبار ساخت و گامهای موثری در جهت طرد آنها برداشت.

خوشبختانه ۱۸ ماهه پس از انقلاب و رنج‌ها و خونهای ناروائی که بواسطه عملکرد امپریالیسم و عمل آن و ناآگاهی‌ها و ندانم‌کاریها بر مردم کشور ما تحمیل گشت، بیهوده نگذشت. اکنون تجارب گرانبهایی از این دوران پرتلاطم و سرشار از توطئه حاصل آمده‌است که پراچ‌ترین حاصل آنها، موضع گیری قاطع و صریح مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران در مقابل این دشمن بزرگ انقلاب ایران و تمامی بشریت آزادی خواه و استقلال طلب و درک صحیح آنها از ویژگیهای اساسی امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکاست.

وضع سابق سیر می‌کند... می‌بینیم که (از نظر آمریکا) امور باید در جهت سیر کند که به اضمحلال قدرت مرکزی بیانجامد، یعنی حاکمیت دولت از بین برود و زمینه پیدایش رژیم مطلوب سیاست آمریکا فراهم شود...

سیاست آمریکا انهدام انقلاب است. (از مصاحبه مطبوعاتی عارفی به هشت ۵۹) حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، نیز در مورد موضوع کنونی جمهوری اسلامی ایران در قبال امپریالیسم آمریکا می‌گوید:

"امروز روز برخورد قاطع ما با ابرقدرت آمریکا است. مساله ما با آمریکا، بالاتر از نداشتن تفاهم و دوستی است. اگر سال گذشته دولت ما و مسئولان امر ما دچار رودریایی هم با آمریکا بودند، امروز دیگر ملت ما هیچگونه رودریایی با ابرقدرت ظالم آمریکا ندارد. این یک تحول اساسی در مسائل ایران است و مسائل ایران بنویسید. این موضوع قاطع در مقابل ابرقدرت آمریکا بصورت مسائل حاد یک انقلاب ضد امپریالیستی درآمده و ما اگر روابطمان را با آمریکا به این صورت قاطع قطع نمی‌کردیم و سینه سینه آن قدرت ظالم مستکبر نمی‌ایستادیم، یقینا امروز انقلاب ما از مسیر خود منحرف شده بود. امروز ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و همه نیرویستادهایم... ما امروز در صحنه بین‌المللی با وجود همه فشارهایی که آمریکا و دولتهای هم‌پیمان و هم‌گرو دست‌نشانده اش در اروپا و آفریقا و جاهای دیگر... روی ما می‌آورند، فاتح و پیروز ما هستیم نه آمریکا... و ما این راه را پیش خواهیم رفت و این خطا را تا آخر ادامه خواهیم داد."

(۲۱ مرداد ۵۹، خطبه‌های نماز عید فطر) حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، نیز در مورد امپریالیسم جنایتکار آمریکا و موضع آن در قبال انقلاب ایران می‌گوید:

"ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودیاها دست از سر ملت ما بر نمی‌دارد. ما آماده مقابله هستیم."

(از مصاحبه مطبوعاتی در محل مجلس، ۲۰ مرداد ۵۹) و مرتضی رضائی سرپرست سپاه پاسداران می‌گوید:

"احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است. یعنی ما همین حالا احتمال می‌دهیم که... مدتی دیگه توطئه باشد... آمریکا و اسرائیل و بلوک غرب شدت منافع فراوانی را از دست دادند که می‌خواهند اینها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق استقرار یا ایجاد یک رژیم وابسته به او یا در منطقه خاورمیانه و اوم در ایران که مجاور با شوروی است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است واقعا نوسهند..." (از مصاحبه با سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ مرداد ۵۹)

این سخنان اساسی‌ترین ویژگی خط امام، یعنی خصلت ضد امپریالیستی آنرا بیان می‌کند و نشان می‌دهد که این ویژگی اساسی از جانب بالاترین مسئولین جمهوری اسلامی ایران درک میشود، امری که بسیار نویدبخش و شادی برانگیز است و از پشتوانه‌های مطمئن برای ادامه و گسترش مبارزه استقلال طلبانه مردم ایران، حکایت می‌کند. وقتی مسئولان چنین باروشن بینی و درایت دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را می‌شناسند، طبیعی است که از زیانهای ناشی از عدم شناخت خطر واقعی و اصلی و طی طریق در گمراه‌ها، شدت کاسته می‌شود و انقلاب مطمئن‌تر و با خطرات و زیانهای کمتری هدف اصلی خود، که همانا کسب استقلال کامل و قطع وابستگی‌های اسارت‌بار به امپریالیسم است، پیش می‌رود.

اما این روشن بینی و درک صحیح خطر اصلی و واقعی که انقلاب ایران را تهدید میکند، اگر با شیوه صحیح مقابله با این خطر، همراه نگردد، ناکافیست.

دشمن اصلی و واقعی امپریالیسم جنایتکار آمریکاست، که به همراهی جبهه جهانی سرمایه، از متحدین اروپایی و ژاپنی گرفته تا رژیمهای دست‌نشانده و "محمدرضا شاهی" چون ضیا‌الحق، قابوسی، سادات، دمیرل، خالد و... و نیز نیروهای مدافع خویش در درون کشور، از مزدوران ساواک گرفته تا سرمایه‌داران بزرگ، زمینداران کلان و... با تمام قوا درصدد نابود کردن انقلاب ایران است. برای مقابله با توطئه عظیم این جبهه وسیع باید وسیعترین نیروها را، که حاضرند علیه امپریالیسم آمریکا و بسود انقلاب ایران عمل کنند، فراهم آورد و در مقابل جبهه وسیع دشمنان انقلاب ایران، وسیعترین نیروهای مدافع انقلاب ایران را بسیج کرد. باید در مقابل تدارکات و تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای جمع آوری نیرو در عرصه جهانی علیه انقلاب ایران، به جمع آوری نیرو بسود انقلاب ایران پرداخت و تمامی نیروهای ضد امپریالیست، صلحدوست و ترقیخواه جهانی را به یاری طلبید و در عرصه داخلی در مقابل جبهه مشترک جنایتکاران توطئه‌گر ساواک و سبا و موساد، سازشکاران، سرمایه‌داران و

بقیه از صفحه ۱
چرا قراردادهای...

اسناد حزبی پیوسته درباره پیامدهای منفی و خطرناک چنین سیاستی هشدار داده‌ایم و بحث‌های کنونی نشان می‌دهد که دیگر پشتیبانان صادق انقلاب نیز با ما هم‌آوایند.

در اینجا تنها یکی از نمونه‌های زبان‌بار و متأسفانه بارز سیاست تعلق و سازش جویی "دولت موقت" را در زمینه سیاست خارجی، یادآور می‌گردیم، که در بحث‌های جاری کم‌تر به آن توجه شده است.

همه کس می‌داند که یکی از حیاتی‌ترین رشته‌های وابستگی هم‌جانانه رژیم شاه سابق به امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا را قراردادهای اسارت‌بار نظامی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل می‌دادند. امپریالیستها از این قراردادها برای چپاول منابع ثروت ملی ما، سلطه بر سرنوشته سیاسی ما، انهدام فرهنگ ملی ما و تحمیل سیاست تجاوزکارانه خویش علیه همسایگان و جنبش‌های آزادیبخش منطقه استفاده می‌جستند.

بسیاری از این قراردادها درست به علت سرشت نواستعماری، تجاوزکارانه و چپاولگرانه‌شان محرمانه بودند و رژیم شاه سابق با استتار آنها درخواست ماهیت دست‌نشانده خود را پنهان سازد.

بنابراین مردم ایران، پس از سرنگونی رژیم دست‌نشانده و پیروزی ۲۲ بهمن، بحق انتظار داشتند که نه تنها متن این قراردادها انتشار یابد، بلکه الغای مواد ضد میهنی و استعماری آنها بیدریک اعلام گردد. اما دولت مهندس بازرگان از چند مورد بنویسه خود مهم، مانند ترک پیمان "ستو"، لغو برخی قراردادهای خرید کالاهای تسلیحاتی، که بگذریم، نمبه انتشار متن و نه به الغای حدود هزار قرارداد دیگر میان رژیم سرسپرده شامسابق و دولت‌های امپریالیستی اقدام کرد. برعکس، دولت موقت کار را به آنجا کشانید، که با سخنگوی

بقیه از صفحه ۱

همکاریهای نظامی

دمکراتیک افغانستان، بمنظور براندازی رژیمهای حاکم در این دو کشور و تضعیف مواضع کشورهای عضو جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل انجام می‌گیرد.

جهت دیگر فعالیت‌های نظامی و توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا در این منطقه در زمینه نزدیک کردن روابط و گسترش همکاریهای سیاسی و نظامی میان رژیمهای وابسته دست‌نشانده و ایجاد اتحادیه سیاسی- نظامی از این رژیمها صورت می‌گیرد.

پیروی این رژیمها از سیاست آمریکا و مواضع خصمانه آنان در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و انقلاب

زمینداران بزرگ، که بسود امپریالیسم و در جهت تحقق توطئه‌های شیطانی آن عمل می‌کنند، وسیع-ترین جبهه ممکن را از کلیه نیروهای ضد-امپریالیست و مدافع انقلاب فراهم آورد. در مقابل سیاست "واقع بینانه" دشمن، که همانا گردآوری و وسیعترین نیروهای ممکن علیه انقلاب است، باید واقع بینانه و وسیعترین نیروهای ممکن بسود انقلاب را بسیج کرد. ایجاد تفرقه میان نیروهای خلق، دامن زدن به بدبینی‌ها و تحریک و درگیری‌های ناروا میان این نیروها، از عدم درک خطر اصلی و واقعی امپریالیسم آمریکا ناشی می‌شود و به زیان انقلاب و بسود توطئه‌های دشمن است.

خطر آمریکا جدیست. آمریکا یا انقلاب ایران سرشوخ ندارد، بلکه صریحا خواستار انهدام آن است.

خطر آمریکا فوری است. حلقات توطئه‌های آمریکا، که یکی از دیگری خطرناکتر و گسترده‌تر است، بی‌دری آشکار می‌شود و در بی شکست هر توطئه، توطئه بزرگتر دیگری بسرعت تدارک می‌شود. امپریالیسم آمریکا هم‌اکنون توطئه بزرگ دیگری را سازمان می‌دهد و درصدد تجزیه ایران است.

خطر آمریکا باقیست. تا دست امپریالیسم آمریکا کاملا از کشور ایران کوتاه نشده‌است، تا خود را به امپریالیسم قطع نکرده است و تا مزدوران امپریالیسم بگلی نابود و قلع و قمع نشده‌اند. و تا سر این مار زخم خورده گاملا با سنگ عملکرد متحد کلیه نیروهای مترقی و انقلابی کوبیده نشده است، خطر این دشمن آشتی ناپذیر باقیست.

برای مقابله با خطر جدی، فوری و باقی امپریالیسم آمریکا باید متحد شد. "امروز زمانی نیست که برای هر چیزی در مقابل هم بایستیم، زیرا دشمنی و وحشی در کمین داریم." (از سخنان حجت الاسلام خوشبینی‌ها در نماز وحدت مشهد، ۱۶ خرداد ۵۹)

هارترین جناح محافل امپریالیستی آمریکا، یعنی برزیل، به گفتگو نشست و، در بهترین حالت، تنها مسئله "تجدیدنظر" در این قراردادها را مطرح کرد.

خوشبختانه "دانشجویان مسلمان بیرو خط امام"، متکی به اراده اکثریت قاطع مردم ایران و پشتیبانی امام با اقدام انقلابی خود به سیاست گام به گام "پاسخ گفتند و سازشکاری" دولت موقت را ترمز کردند. یکی از پیامدهای مثبت این رویداد تحمیل لغو قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا در آخرین لحظات به دولت موقت بود. سیاست عدم انتشار و الغای قراردادهای اسارت‌بار از سوی "دولت موقت"، در بر توطئه‌های که مهندس بازرگان همین چند روز پیش در توجیه عدم تمایل دولتش به "پنج درجه انداختن ابرقدرتی چون آمریکا"، کرد، قابل اغماض نیست، ولی با توجه به دیگر تعلق و زیانها و سازش جویی‌های دولت او طبیعی می‌نماید.

پس آنچه طبیعی نیست، ادامه همین سیاست از سوی محافل دولتی است، که هم‌چنان به سکوت خود درباره متن قراردادهای آریامهری-امپریالیستی ادامه می‌دهند و علیرغم تشدید هم‌جانانه توطئه‌های نظامی و تحریم‌های اقتصادی امپریالیسم آمریکا و یاران غارتگر و رژیم‌های دست‌نشانده‌اش، گامی در راه انتشار و اعلام لغو این قراردادها بر نمی‌دارند. در حالیکه مبارزه و پیگیر علیه سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم تنها هنگامی قابل تصور و میسر است که بر پایه کوشش هم‌جانانه برای قطع وابستگی‌های اسارت‌بار گذشته استوار باشد.

ما امیدواریم که دولت آینده این امر را در صدر برنامه سیاست خارجی خود قرار دهد. در چنین صورتی نه تنها یکی از آرزوهای دیرینه انقلابیون ایران برآورده خواهد شد، بلکه همچنین یکی از شرایط بنیادی رهائی از قید وابستگی و تأمین استقلال راستین کشور ما نیز فراهم خواهد آمد.

فلسطین و سایر جنبشهای آزادیبخش منطقه، منای مساعدی است برای توسعه روابط و همکاریهای میان آنان و تشکیل یک اتحادیه سیاسی و نظامی از آنان.

طبق همین برنامه است که در دوران اخیر در روابط میان عربستان سعودی، پاکستان، مصر، عراق، سومالی و کنیا نزدیکیهایی چشمگیری صورت می‌گیرد و همکاریهای نظامی میان این کشورها گسترش می‌یابد. عربستان سعودی، که بعطت ماهیت ضد خلقی رژیم حاکم بر آن، مورد اعتماد کامل جهان امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا است، و از سوی دیگر توتنه‌های نفتی هنگفتی در اختیار دارد، در این اتحاد و همبستگی میان رژیمهای دست‌نشانده و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند.

این نقش عربستان سعودی قبل از هر چیزی در قبول بخشی از اعتراضات هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی است، که در اختیار مصر و پاکستان گذارده می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان، پاکستان به مرکز توطئه و تحریکات امپریالیسم آمریکا و چین علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل گردید. در خاک پاکستان اردوگاههایی برای دستجات و گروههای ضد انقلابی افغانی تشکیل شد. مستشاران نظامی و مأموران "سیا" آمریکا، با تفاق مربیان نظامی چینی و پاکستانی، گروههای تروریستی افغانی را در این اردوگاهها آموزش می‌دهند و جهت عملیات تروریستی و خرابکاری به خاک افغانستان میفرستند.

بر اساس همکاریهای نظامی میان پاکستان و عربستان سعودی، بخش اعظم هزینه اسن اردوگاهها و گروههای ضد انقلابی افغانی از جانب عربستان سعودی تأمین می‌شود.

دولت یعنی عراق در توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مرکز تجمع و سازماندهی افسران فراری گارد، ساواکها و دیگر عناصر و گروههای ضد انقلاب تبدیل شده و این گروهها جهت تجاوز به خاک ایران در نواحی مرزی عراق با ایران استقرار یافته‌اند. نیروهای مسلح عراق به تجاوزات هوایی و زمینی خود به نواحی مرزی ایران ادامه داده، دامنه این عملیات تجاوزی را گسترش میدهند.

منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه ایجاب می‌کند که جهت شکست توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جبهه متحد رژیمهای دست‌نشانده آن در منطقه، روابط و همکاریهای خود را با کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و جنبشهای ملی در منطقه هرچه بیشتر گسترش دهند. کشورهای مستقل ملی منطقه موظفند بر پایه منافع مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد خلقی وابسته به آن، جبهه متحد ضد امپریالیستی خود را استحکام بخشند و تمام توطئه‌ها و طرحهای مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا و متفقین منطقه‌ای آنرا محکوم به شکست سازند.

کودکان قالیباف ممقان تبریز: مارا از استثمار نجات دهید!

ممقان بخشی است در ۴۰ کیلومتری تبریز، که قریب ۱۲ هزار جمعیت دارد. شغل اصلی اهالی کشاورزی و دامداری است، ولی قالیبافی نیز در این بخش از رونق به سزا برخوردار است.

در این بخش نزدیک به ۱۰۰ کارگاه قالیبافی وجود دارد، که در هر کدام از ۲ تا ۱۰ نفر مشغول بکارند، کاری طاقت فرسا با حداقل دستمزد.

بیشتر کارگران این کارگاه‌ها را کودکان ۸ تا ۱۶ ساله تشکیل می‌دهند که به علت فقر و بی چیزی، عموماً تا به مین هزینه زندگی از طرف پدر خانواده و صدها علت دیگر، به این مکانها کشیده شده‌اند و چه بسا این کودکان تا به مین کننده مخارج یک خانواده بزرگ اند.

حبیب یکی از این کارگران است، که می گوید:

۱۲ سال دارم حدود ۴ سال است که قالی می بافم. روزی ۲۰ تومان حقوق می گیرم به کمک برادرم خرج خانه را تا مین می کنیم حبیب به علت این که خرج خانواده را تا مین می کند، نتوانسته راهی به مدرسه پیدا کند و در نتیجه به این مکانهای تنگ و تاریک و نمور کشیده شده است.

از این قبیل کودکان در این کارگاه‌ها بسیارند. محمد می گوید ۱۵ سال دارم و ۴ سال است که قالی می بافم. روزی ۲۰ تومان می گیرم با کمک پدرم خرج خانواده را تا مین می کنیم و به همین علت هم نتوانستم به مدرسه بروم.

گذشته از این کودکان، که هنوز سنی از آنها نگذشته، به عنوان کارگر حرفه‌ای بکار گرفته شده‌اند، تعداد بسیاری از کودکان با تعطیل شدن مدارس و فرارسیدن فصل تعطیلی برای این که اندوخته‌ای برای مخارج تحصیلی خویش فراهم کنند، و از این نظر کمکی باشند برای خانواده، بکار در این کارگاه‌ها کشیده شده‌اند. تعدادی نیز با تحمل این کار طاقت فرسا شبها درس می خوانند.

محمد که کلاس چهارم ابتدایی را می خواند، می گوید:

مدرسه تعطیل شد و من نیز برای اینکه مخارج تحصیلی خود را تهیه کنم و برای خود لباس بخرم، به اینجا آمدم تا کار کنم. پدرم بیکار است. با این ۱۵ تومان حقوقی که می گیرم یک کمکی هم به خانواده می کنم.

ساعات کار در اینجا مشخص نیست کارگران صبح روزی می آیند و غروب شده و کوفته از کار جانفرسای روزانه راهی خانه می شوند. در این خصوص داود، که ۱۲ ساله است، می گوید:

۲ ساعت که قالی می بافم روزی چند ساعت کار می کنم، معلوم نیست. معمولاً صبح ساعت ۶ می آیم و عصری رویم، چند ساعت می شود، نمیدانم حمید ۸ ساله "اطلا" نمیداند روزانه چند ساعت کار می کند. فقط می گوید:

"به پول احتیاج داریم. به این خاطر هر روز می آیم تا کار کنم." در این کارگاه‌ها از بهداشت، درمان، بیمه و دیگر حقوق کارگری هیچ خبری نیست. آنچه زیاد به چشم می خورد، استثمار است، و این استثمار منحصر به کودکان نیست. کارگران دیگر نیز وضع مشابهی دارند. یوسف می گوید:

"۲۵ سال دارم ۱۵ سال را قالی بافتم. هر چه زحمت می کشیم همه‌اش به جیب سرمایه‌داران می‌رود. برای خودمان هیچ چیز نمی ماند. مثلاً این کارگاه را اجاره کرده‌ایم که کار کنیم. با هزار مصیبت نمی‌توانیم که قبل از انقلاب کیلویی ۲۰ تا ۴۰ تومان بود حالا ۸۰ تا ۸۵ تومان می‌خریم و بعد از چند ماه کار جانفرسا ارباب قالی حاضر شده را به ۱۲ تا ۱۵ هزار تومان می‌خرد و خود ۱۲ تا ۱۵ هزار تومان می‌فروشد. ۱۵ سال است که مدام کار می‌کنم، ولی هنوز هیچ چیز در زندگی ندارم. چند ماه است که "اطلا" گوشت نخورده‌ام. دیگر حتی میزها را هم دارم فراموش می‌کنم. از ساعت صبح می‌آیم و تا ۶ عصر بیکار می‌کنیم. گذشته از این، انواع امراض دچاریم. مثلاً خودم چشمانم درد گرفته است. از بیمه و درمان هم که خبری نیست. در ممقان هم که "اطلا" دکتر نیست، فقط یک بهداشتی وجود دارد، که آنهم درست و حسابی کار نمی‌کند. اگر کسی مریض شود، باید بروی تبریز. وظیفه دولت



است که به درد ما برسد. اکبر، یکی دیگر از کارگران.

می گوید: هر چه زحمت می‌کشیم، به جیب ارباب می‌رود. مصالح و مواد اولیه را از ارباب می‌خریم، و آنها نیز گران می‌فروشند. قالی بافته شده را نیز تحویل آنها می‌دهیم. ما خودمان حق فروش نداریم.

در اینجا از سندیکا و شوراهای نیست. "اطلا" اکثر کارگران هنوز با این واژه‌ها آشنایی ندارند و با اینکه سندیکای قالیبافان آذربایجان شرقی تشکیل شده است، ولی هنوز به علت عدم تماس، این کارگران نتوانسته‌اند در آن متشکل شوند.

تمام این کارگاه‌ها تقریباً وضع مشابهی دارند. وارد هر کدام که بشویم با کودکان نحیف و رنجور، با صورتی رنگ بریده، ناشی از انواع امراض روبرو می‌شویم. کودکانی که سراسر روزشان شب است. کودکانی که جوانی را پشت سر گذاشته پیر می‌شوند.

کودکانی بی خبر از جهان سرشار از شادی کودگانه، به قیافه‌هایشان که بنگریم، ستم سالها استثمار به خوبی از چهره‌های مغمومان به چشم می‌خورد. چشمان به گود نشسته و بی فروغشان حاکی از دنیای عظیم فقر و بی چیزی است. دستان کوچکشان قبل از اینکه با مدام آشنا گردد، به ناچار با "اهلمک" مایه‌نوس می‌گردد و بدینسان تمام رنج زندگی را، با این سن کم، با همه وجود حس می‌کنند. این رانی - توان از حرفهایشان، نگاه‌هایشان، و خواسته‌هایشان بخوبی دریافت می‌شود.

ببخود نیست که وقتی از حسین و راضیه و ابوالفضل، دو برادر و یک خواهری که در ارتباط با این رنج حاکم، می‌گذرد را با دایز قالی‌دوز کرده‌اند، می‌پرسیم: از انقلاب و دولت چه انتظاری دارید؟ ابوالفضل، که ۱۰ سال بیشتر سن ندارد، می‌گوید: "تایید، مایه‌نوس، گوشت، جنس ارزان و...".

با هر کدام که حرف بزنیم، چشم به گسترش دستاورد های انقلاب دوخته‌اند. چشمها منتظرند، تا انقلاب تمام این نشانه‌های سالها سلطه امپریالیسم و کارگران داغ‌خیز را هر چه زودتر از زندگیشان محو کند. آنان منتظرند تا همچنان که انقلاب در کشورشان بوقوع پیوست، به زندگیشان نیز راه پیدا کند. آری وظیفه دولت است که در پیچه امید را به روی این سازندگان فردا بکشد. نباید گذاشت نور امید به آینده که در چشمان این به غم نشنگان دیده می‌شود، به یأس مبدل گردد. انقلاب می‌تواند و باید به درد این محرومان پایان بخشد.

کشت دهقانان اطراف گرمسار در معرض نابودی است

کشاورزان قرا اطراف گرمسار تا بحال چندین بار به فرمانداری و بخشدار این منطقه، جهت رسیدگی و کمک به آنان و رسم‌پاشی آفات کشاورزی مراجعه کرده‌اند. اما برخلاف قول‌های مساعد مقامات، تا بحال هیچ گونه کمکی به آنان نشده است. هر وقت هم که کشاورزان به آنجا مراجعه می‌کنند، فرمانداری نیست.

لازم به تذکر است که اکثر مزارع گندم، که با آفت سن مواجه گشته‌اند، در حال نابودی هستند. مشکل دیگر روستائیان، قیمت گندم است، که دهقانان خواستار قیمت بیشتری هستند.

ادارات مشول دولتی موظف هستند که هر چه سریعتر محمولات دهقانان را، که در معرض نابودی قرار داشته و احتیاج به سمپاشی

تجربه امپریالیسم به اومی آموزد: برای درهم شکستن یک انقلاب نخست باید آن را منفرد کرد

با خود آن عمل اصلی بی ارتباط نبوده است. البته بدون خیال برداری پلیسی زائد، باید این مطالب را کشف کرد و از تاریخ درس و عبرت گرفت. (۲) دست دوم عملیات، عملیاتی است که "در داخل دژ"، در داخل دایره انقلاب و بنام انقلاب انجام می‌گیرد.

در انقلاب ما سه نیرو باشند و ضعف مختلف، شرکت داشته‌اند و دارند. نیروی مسلمانان مبارز، لیبرالها و نیروهای چپ. لذا صلاح است که در داخل همه این نیروها رخنه شود و از موضع هر نیرو سخنانی گفته شود و اقداماتی صورت گیرد، که بتواند انقلاب را ضعیف و بدنام کند.

این نیروها را که از درون انقلاب آن را تضعیف می‌کنند، "عقب‌داران" ضد انقلاب مینامیم زیرا "جلو‌داران" (امثال آموزگار، انصاری، ازهار، شریف‌امامی، اویسی، شاپوربختیار) نتوانستند یا بازی‌های "فضای باز" سیاسی و "سویال دمکراسی" "حکومت نظامی" (و در همه حال با توسل به کشتار جمعی) جلوی سبیل توفنده انقلاب را بگیرند. همچنان و شور و شوق و شجاعت انقلابی مردم دمدم بیشتر و بیشتر شد، تا

زمانیکه توانست قدرت استبداد را سرنگون کند، بختیار را براند و پرچم جمهوری اسلامی را به اهتزاز درآورد. در این حال دیگر نقش جلو‌داران به صفر بدل شده بود می‌بایست عقب‌داران به صحنه بیایند.

سیر انقلاب تا کنون جمعی از این عقیداران (مانند امیر انتظام، دریا دار علوی، حسن زنبی، مقدم مراغهای، دکتر متین دقتری و غیره) را از صحنه فعالیت کمابیش خارج کرده، ولی مگر تعداد آنها ده تا صد تا است؟ این عقیداران ضد انقلاب (لیبرالها و مائوئیست‌ها و مسلمان نمایان) خطری بمراتب بزرگتر از خود آن ضد انقلابی هستند، که به لندن و پاریس و لوبلین انجلس پناه برده و با در مرز عراق عرض اندام می‌کنند. اینها بعنوان انقلابی "شش اشه" که قدامت و تعهد بهترین انقلابیون را به انواع تهمت‌ها متهم می‌کنند، مواضع گرم و نرمی را در رژیم اشغال کرده‌اند. در حکومت ممدق، چه اندازه زاهدی‌ها و بقاشی‌ها و مکی‌ها دور و بر ممدق را گرفته بودند؟

روزی خواهد رسید و این بخش از نقشه ضد انقلاب، که انرامی کوشند "فوق العاده سری" نگاه دارند (و ابتدا سری هم نیست) برای همگان از برده بدر می‌افتد. ما چون نسلی خواهیم بهتان گو باشیم، می‌وریم ولی زمان برده در بیکار نیست. سر انجام این انقلاب هر چه باشد، این برده‌ها بر داشته خواهد شد و سر دار اسدها و بفرم خانها و بقاشی‌ها و مکی‌های این انقلاب نیز به مردم ایران معرفی خواهند گردید.

آنوقت خواهیم دید که دوستان و دشمنان انقلاب را باید یا به دشمنان سر سخت امپریالیسم و عمل آشکار و مخفی آن تقسیم کرد، یا با ملاک‌ها و مقیاسها من در آوردی و خدعه گرانه، دیگر.

در آن وقت که در این شرایط که کشور ما دچار "محاصره اقتصادی" امپریالیست‌ها است، و به تولید بیشتر نیاز دارد، تاخیر در این کار، ضربه زدن به انقلاب است.

کشت دهقانان اطراف گرمسار در معرض نابودی است

کشاورزان قرا اطراف گرمسار تا بحال چندین بار به فرمانداری و بخشدار این منطقه، جهت رسیدگی و کمک به آنان و رسم‌پاشی آفات کشاورزی مراجعه کرده‌اند. اما برخلاف قول‌های مساعد مقامات، تا بحال هیچ گونه کمکی به آنان نشده است. هر وقت هم که کشاورزان به آنجا مراجعه می‌کنند، فرمانداری نیست.

لازم به تذکر است که اکثر مزارع گندم، که با آفت سن مواجه گشته‌اند، در حال نابودی هستند. مشکل دیگر روستائیان، قیمت گندم است، که دهقانان خواستار قیمت بیشتری هستند.

ادارات مشول دولتی موظف هستند که هر چه سریعتر محمولات دهقانان را، که در معرض نابودی قرار داشته و احتیاج به سمپاشی

کاخ به اولادین کنیم
خانم زینب که ششم آب و
کمک به خانه حزب
ارسلان از شنگ دره ۳۰۰۰ ریال
یعقوب پور ۱۰۰۰۰ ریال

مرتضی رضائی،

فرمانده سپاه پاسداران:

احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است

■ آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب

بشدت منافع قراوان را از دست

داده اند و میخوانند اینها را دوباره

برگردانند

■ از ۲۴ خلبان دستگیر شده، ۱۲

نفرشان کسانی بودند که کمیته تصفیه

آنها را بیرون کرده بود و اینها را

دوباره آورده بودند سر کار

همون یک هفته اول غائله را بخوابان. بعد هم جناح‌های سیاسی مثل حزب ایران و بهایی‌ها و اینها می‌آمدن وسط و مرکزگیری و تظاهرات وسیعی می‌کردن یک خط سیاسی هم به جریان بدهند و مسئله را تثبیت بکنن. بعد نکات جالبی که در این جریان هست، مسئله زندان اوین است. در زندان اوین که محافظت‌اش به عهده گویا لشکر گارد بوده، تعدادی از این افراد که با این جریان کودتا دست داشتن، قصد داشتن که زندانی‌های وابسته به رژیم را آزاد بکنن. حتی اینها چند روز قبل از کودتا درخواست تانک و ضد هوایی کرده بودن، بعنوان محافظت از اوین. ولی در حقیقت بخاطر اینکه بعد از اینکه کودتا شروع شد، اونها در همون جا با همون ضد هوایی‌ها و با تانک و نیروهای مسلح دیگه، که بعدا بمکشان می‌آد، زندان اوین را تسخیر کنن و زندانی‌های وابسته به خودشون را آزاد و اونجا را مسلط بشن، که ما ۵ نفر را تا کنون در خود محافظین زندان اوین دستگیر کردیم، سروان آریانا، استوار دوم پرویز احمدی و ستوانیار شکرالله احمدی. در خوزستان نیز عملیات هم‌زمان با این بود، که قرار بود نیم ساعت بعد از عملیات پایگاه همدان، قرار بود اونجا عملیات شروع بشه. چند روز قبل لشکر خوزستان به تیپ ناحیه ۲ رزمی گفته بود که از مرز برگردن، آماده باش را لغو کرده بود و با این که ۴ روز ازین لغو آماده باش گذشته بود، هنوز اسلحه و مهمات خودشون رابه اسلحه‌خانه تحویل نداده بودن، که دقیقا از فرمانده لشکر اونجا وقتی سؤال میشه که شما چگونه این مسئله ساده نظامی را نتونستین حل بکنین و این اسلحه را تحویل بگیرین. اینتون گفته بود که من قصور کردم و اشتباه کردم و از این مسائل و در شیراز، در مشهد، در تبریز و در پایگاه وحدتیه در قزوین نیز قرار بود عملیات هم‌زمان با اینها شروع بشه.

س: اینطوری که شما الان گفتید این طرح وسیع بوده، خوب، یک طرح وسیع احتیاج داره به آدم‌های زیادی، پرسنل زیادی داره. قدر مسلم اینها روز اولی که با هم جمع شدن، تعدادشان به این اندازه نبوده. بنابراین بایستی زمینه سازی می‌کردن برای جذب نیرو. بفرمایین که این زمینه سازی به چه نحوی بوده؟

ج: البته علت اینکه اینها توی این تفرقاتند ۲ تا مسئله بود. یکی همین نیروهایی که شما گفتین گرفتین. یکی دیگه وعده‌های زیادی بود که اسرائیل و مصر و عراق و آمریکا به بعضی از رهبران اینها در خارج داده بودن و اینها احساس می‌کردن که چون اینها پشتیبان‌شان هستند و کمک‌شان می‌کنند و تقویت‌شان می‌کنن، خیالشون راحت بود که بتونن براحتی کودتا بکنن و موفق بشن. اما در رابطه با جذب نیرو. اینها دقیقا از ۸، نهمه پیش شروع به سازماندهی کرده بودن و امام هم در بیانات پارسل شان تاکید کرده بود که باید قاطعانه عمل کرد و نگذاشت که ریشه‌های شیطانی دوباره بهم دیگه پیوند بخوره و دقیقا همین طور بود. از ۸ یا ۹ ماه پیش اینها شروع کردن دوباره بهم ارتباط برقرار کردن، شروع کردن به اطلاعیه پخش کردن در سطح پادگان. شیوه‌های جذب نیرو به این صورت بوده که اونها سعی می‌کردن از بزرگ کردن مسائل در نزد پرسنل ساده و پایین و آموزش ندیده سیاسی برادران ارتشی ما حداکثر بهره‌برداری بکنن. مثلا به یکی گفته بودن که ما یک سازمان اطلاعاتی و حفاظتی بسیار وسیعی داریم که تمام نقاط کشور را شناسایی کرده و هر کسی هم که از ما دستگیر بکنن ما می‌فهمیم. خود اونطرفی که الان دستگیر شده، می‌گفت من همون موقعی که مسئولیت بمباران خونه امام به من محول شده بود، همون موقع به من گفتن تو خودت پس بروشناسایی بکن و تکریمی محل نقشه رابکش. این بود که من همان موقع فهمیدم که، یعنی شک کردم که اگه اینها واقعا می‌کنن که ما یک سازمان حفاظتی و اطلاعاتی به این وسیله داریم، پس چرا خود من را می‌فرستن که عامل اجرایی هستم، من را شناسایی می‌کنن. یا مثلاً می‌گفتن که یازدهم یا ۱۲ هزار نفر مسلح آماده است در لب مرز که هر آن وارد عمل شویم. اون میاد داخل و کار راتمام می‌کنه. یا می‌گفتن عراق چندین تانک در اختیار یک سرهنگ قرار داده، یا مصر چندین هواپیما در اختیار سرتیگر امیرفضلی قرار داده و یا می‌گفتن عشایر بختیاری و مسنی بویراحمادی بلوچ همه اینها با ما همکاری کامل کردن و بمحض اینکه ماحمله را شروع کنیم، اینها میان وارد صحنه میشن در مقابل یکی از اینها که گفته بود، خوب، شما این همه مردمی که میریزن تو خیابانها، اونها را چیکار می‌کنین. اینها گفته بودن که مردم دنبالمرو حوادثانند و اگر ما بتونیم کشتار را بباندازیم، مردم می‌ترسن و دیگه نیامان وسط و دقیقا این رسوبات همون تفکرات طاغوتی هنوز تو ذهنشان بود که همین فکر را هم ساواک و اون حکومت نظامی می‌کرد، که اگر ما بکنیم جلوی مسائل گرفته میشد.

یا میرفتن از افرادی که تصفیه می‌شدن از ارتش یا افرادی که سائلی داشتن، اینها را یکی یکی جدا می‌کردن از زیر اون روابط که قبلا سالهای سال در داخل ارتش با هم داشتن و با هم ملاقات می‌کردن، تطمیع، بهره‌برداری ۱۰۰ هزار تومن پول و بهر جتر بازی در حدود ده- دوازده هزار پیشنهاد کرده بودن و به بعضی‌ها هم داده بودن. یا مثلا مسائل سیاسی را بزرگ می‌کردن و می‌گفتن ما در تمام ادارات کمیته درست کردیم و شبکه‌هایی درست کردیم و کافیه فقط اولین فانتوم بلند بشه و اگر اولین فانتوم بقول خودش بلند میشد، مثلا اینها موفق می‌شدن و کارشون تمام میشد.

س: آیا این کارها، کارشاهه سیاسی این بوده چون اشاره کردین شاخه سیاسی و نظامی داشته این توطئه و یک مسئله این که در مورد افراد این کار را می‌کنن در سطح جامعه اینها چه زمینه سازی می‌کردن، چه جوی را به وجود می‌آوردن؟

ج: اینها عمدتا فعالیت‌های شان ۲ محور بود. یکی محور نظامی یکی محوری سیاسی. محور سیاسی‌اش را از همون ابتدای انقلاب شروع به فعالیت کرد. یکی در زمینه داخلی کشور یکی در خارج از کشور و واقعا اگر برادران مسلمان و یا خواهران مسلمان به خارج از کشور رفته باشند، مواجه می‌شن با یک طیف وسیع فعالیت‌های تبلیغاتی علیه انقلاب، روحانیت و رهبریت و نهادهای انقلابی، که کشت و کشتار، در مسلک راه افتاده و انسانیت را دارن از بین می‌برن و به این صورت آنروزی هم که در رابطه با کشتارهای خودشون سرپوش بگذارن در داخل کشور هم به همین صورت شروع کردن به ایجاد شایعه، جعل سازی و تبلیغات بسیار وسیع. خوشبختانه در همین خونه‌های تیمی که ما از اینها گرفتیم، دقیقا اصلا ریشه‌های شایعات را مادر آوردیم. عکس‌هایی از امام مونتاژ شده، به صورت کاریکاتور در آوردن روحانیون انقلابی ما، بصورت شکل‌های کاریکاتوری مستهجن در آوردن و یا نوشته‌هایی که نشان میده که چطور باید یک شایعه را درست کرد و شایعات را چگونه در دهان مردم بریزیم و یا با مسائل از این قبیل که... یا نوارهای بختیاری که از خارج می‌آمد. اون شاخه سیاسی که محور دوم کار را عهده داشت و بعد از انقلاب شروع کرده بود این نوارهای بختیاری را پیاده می‌کردن و حتی برای بعضی‌لز روحانیون، بعضی از افراد دیگه هم می‌فرستادن یا بعنوان نمونه از یکی از این زنانی که در اون جریانات کنایی تظاهرات زنان دستگیر شده بود، مدرکی بدست آمد که دقیقا نشان می‌داد که این وابسته به اون جریان و سعی می‌کردن باز از این ناراضی‌ها هم استفاده بکنن اینها حداکثر تلاش‌شان این بود که این ناراضی‌ها و این انتظاراتی که در مردم بعد از انقلاب بوجود آمده، اینها را سوق بدهند به جهت چی، به جهت مخالفت با اصل انقلاب و محتوای انقلاب و از اون شکل اصلی برخورد اصولی مردم به یک شکل اغراقی بکشان و در نتیجه خودشون ازین بهره‌برداری می‌کنن یا بعنوان نمونه سوء استفاده از حس میهن پرستی و اخیرا ما مواجه شدیم با یکسری از پرچم‌های سمرنگ ایران، که بدون آرم جمهوری اسلامی و بدون حاشیه الله اکبر در بین مردم پخش شده و دقیقا تبلیغ خط ملی‌گرایی و علم کردن این خط در مقابل حاکمیت اسلام، که ملیت‌گرایی در متن آن نهفته است. و در حقیقت نقش درجه اول دادن به چیز درجه دوم، که بعدا بتونن خودشون را کم کم مطرح بکنن و دقیقا بخاطر فقط مخالفت بود.

س: آیا واقعا زمینه کودتا در ایران وجود داره و ارزیابی شما درباره این مسئله چی هست. آیا کودتایی می‌تونه موفق بشه؟

ج: اینجا ۲ مسئله است. آیا احتمال توطئه هست؟ مسئله بعدی آیا موفق می‌شوند؟

احتمال توطئه خیلی زیاد است، یعنی ما همین حالا احتمال می‌دیم که ممکنه فرض کنین مدتی دیگه توطئه باشه. ولی آنچه که مسلم است، هیچ کدام ازین توطئه‌ها پیروز نخواهند شد. علت اینکه توطئه چرامیشه، گفتیم که آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب بشدت منافع فراوانی را از دست دادند که می‌خوانند اینها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق ایجاد یا استقرار یک رژیم وابسته به اونها در منطقه خاورمیانه و اونم در ایران، که مجاور یا شوری است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است و اقیانوس هند. بنابراین اونها تلاش خواهند کرد. حالا یک عده‌ای هم پیدا خواهند شد که فریب این تلاش‌ها را بخورند یا تطمیع بشوند یا فریب بخورند، یا توی جو خاصی قرار بگیرن که فکر بکنند آنقدر تشکیلات اینها بزرگ است که دیگه کارنوم میشه و برن وسط دایره عملیات. و اونچه که مسلم است باز ارزیابی‌هایی که ما کردیم، هیچ وقت این توطئه‌ها موفق نخواهند شد. همانطور که امام فرمودن اونها فرض کنین بمباران کردن. اونوقت چیکار خواهند کرد؟ باین مردم را ارزیابی کنیم... مردم در یک خفقان شدید و تا دندان مسلح مزدوران آمریکا و اسرائیل پیروز شدند، با اینکه اونها از یک موضع بسیار مسلطی با اون سازمان اطلاعات و بیخ‌بانش و با اون شکنجه‌های طاقت فرسا، پیروز شدند...

... سپاه بابیش از ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر الان جمعیت کمیته‌ها با بیش از ۶۰ هزار نفر، نیروهای ذخیره سپاه با بیش از ۴۰۰ هزار نفر، نیروهای بسیج ملی با بیش از یک میلیون نفر، و اکثریت برادران ارتشی معتقد ایران افرادی هستند آموزش دیده و مسلح و آماده به نبرد و یاری. بنابراین در یک ارزیابی مشخص ما برتری کامل داریم.

همونطور که امام گفت، مین روزنامه شروع میکن به خوندن و کارهای مردم را عقب انداختن و ایجاد شایعه درست کردن، تبلیغات علیه روحانیت و آخوندها، علیه سپاه، علیه جهاد، همه نهادهای انقلابی و علیه جمهوری اسلامی سعی می‌کردن در مجموع هم از نظر داخلی و هم از نظر خارجی زمینه‌هایی پیدا بکنن. تا روزی مثل نوزده تیرماه گذشته که کودتا بکنن و با اون زمینه‌های خودشون مردم ناراضی، توجیه سیاسی فراهم شده، از داخل و در خارج از کشور هم تبلیغات به اندازه کافی بکنن و هم‌آهنگ با کشورهای غربی بتونن یک حکومت وابسته به آمریکا و اسرائیل را دوباره در ایران حاکم کنن. ... و اگر ارتش اسلامی بخواهم درست بکنیم باید این دمل‌های چرکین را که در زمان رژیم در این بدنه بوجود آمده، اینها از بین بره و پاک بشه و یک بدن سالم اسلامی برقرار بشه.

... از ۲۴ خلبان دستگیر شده، ۱۲ نفرشان کسانی بودند که کمیته تصفیه‌اشون را بیرون کرده بود و اینها را دوباره آورده بودن سر کار. این بوده که همون حرف‌های غلط که میگن ما برای اینکه ارتش را تضعیف نکنیم، دست به اون کتی هم که توطئه می‌کنه نزنیم ...

... یک نمونه خیلی زنده‌ای بوده. زن یک سرهنکی آمده بود و اطلاع داده بود که شوهر من ۲ روز است که خونه نمیداد و من بدلیل اون سابقای که از این فرد دارم، فکر می‌کنم که این باید توی یک جریانی باشه. ما رفتیم و دیدیم یک فرد خیلی مهمی بوده و اون دستگیر شد و یا فرض کنیم حیدری. حیدری رهبر عملیات خلع سلاح پایگاه نوزده، که این رهبری ۱۲ تیم ۶ تا ۷ نفره را عهده داشت، که بین ۲۰۰ نفر می‌شد، که در یک جای پایگاه جمع می‌شدن و ساعت ۱۲ شب با یک عملیات پارتیزانی پایگاه را فتح می‌کردن و بعد وقتی می‌رفتند در اونجا، فانتوم‌ها به حرکت درمی‌آمد. در درگیری که برادران ما قبلا در اونجا مستقر شده بودن، در بیرون و برادران ارتشی در داخل پادگان در سراسر پایگاه را برادران ارتشی گرفته بودن و جاهای حساس را مواظبت می‌کردن. این در جلوی پایگاه که درگیری میشه، بین برادران سپاه و حیدری و این فرار می‌کنه، فرار می‌کنه در توی دهات و ۵۰ - ۶۰ کیلومتر پیاده روی می‌کنه همون شبانه به سمت پشت پایگاه نوزده و میره در اونجا و خوشبختانه مردم ما آماده و قبلش برادران ما توجیه کرده بودن دهات را شانه، که یک عده آمریکایی‌ها و افراد وابسته به رژیم می‌خوان کارهایی بکنن اینها با چماق و اسلحه همسنگی‌شان آماده بودن. همین که اینها آمده بودن توی ده، دورش حلقه زده بودن با چماق‌های‌شان ...

س: آیا واقعا زمینه کودتا در ایران وجود داره و ارزیابی شما درباره این مسئله چی هست. آیا کودتایی می‌تونه موفق بشه؟

ج: اینجا ۲ مسئله است. آیا احتمال توطئه هست؟ مسئله بعدی آیا موفق می‌شوند؟

احتمال توطئه خیلی زیاد است، یعنی ما همین حالا احتمال می‌دیم که ممکنه فرض کنین مدتی دیگه توطئه باشه. ولی آنچه که مسلم است، هیچ کدام ازین توطئه‌ها پیروز نخواهند شد. علت اینکه توطئه چرامیشه، گفتیم که آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب بشدت منافع فراوانی را از دست دادند که می‌خوانند اینها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق ایجاد یا استقرار یک رژیم وابسته به اونها در منطقه خاورمیانه و اونم در ایران، که مجاور یا شوری است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است و اقیانوس هند. بنابراین اونها تلاش خواهند کرد. حالا یک عده‌ای هم پیدا خواهند شد که فریب این تلاش‌ها را بخورند یا تطمیع بشوند یا فریب بخورند، یا توی جو خاصی قرار بگیرن که فکر بکنند آنقدر تشکیلات اینها بزرگ است که دیگه کارنوم میشه و برن وسط دایره عملیات. و اونچه که مسلم است باز ارزیابی‌هایی که ما کردیم، هیچ وقت این توطئه‌ها موفق نخواهند شد. همانطور که امام فرمودن اونها فرض کنین بمباران کردن. اونوقت چیکار خواهند کرد؟ باین مردم را ارزیابی کنیم... مردم در یک خفقان شدید و تا دندان مسلح مزدوران آمریکا و اسرائیل پیروز شدند، با اینکه اونها از یک موضع بسیار مسلطی با اون سازمان اطلاعات و بیخ‌بانش و با اون شکنجه‌های طاقت فرسا، پیروز شدند...

... سپاه بابیش از ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر الان جمعیت کمیته‌ها با بیش از ۶۰ هزار نفر، نیروهای ذخیره سپاه با بیش از ۴۰۰ هزار نفر، نیروهای بسیج ملی با بیش از یک میلیون نفر، و اکثریت برادران ارتشی معتقد ایران افرادی هستند آموزش دیده و مسلح و آماده به نبرد و یاری. بنابراین در یک ارزیابی مشخص ما برتری کامل داریم.

اهمیت پرورش دام برای رشد تولید خود کفائی و اقتصاد سالم.

علل رکود دامداری و مسئله ناهمگونی واحدهای تولیدی.

نظم در خورد مشخصی و متفاوت با انواع مختلف دامدارها.

دامپروری در ایران یکی از رشته‌های مهم تولیدی کشور است، که مانند صنایع و کشاورزی نیاز شدیدی به دگرگونی عمیق دارد.

دگرگونی‌های لازم در امر پرورش دام باید بر اساس یک برنامه‌ریزی انقلابی، منطبق با موازین علمی و دقیق و در راستای نیازهای جامعه بعد از انقلاب باشد.

تحول و برنامه‌ریزی در اقتصاد کشاورزی و رشته‌های وابسته به آن، بدون شناخت دقیق مسیر تکاملی آن‌ها در گذشته امکان‌پذیر نیست. انقلاب شکوهمند ما ضربات جدی بر مسیر ناپسندیده و وابسته‌کننده گذشته وارد ساخته است. ولی اگر با بی‌گیری برای بازسازی امر دامداری و دامپروری اقدام نشود و یا به علت بی‌برنامگی در کار بازسازی واحدهای تولیدی وقفه ایجاد شود، بدون شک به مرور زمان همان مواضع تضعیف شده و ضربه‌دیده باز هم تقویت خواهد شد و صاحبان قدرت به "خدمت" باز می‌گردند و سرمایه‌داری استثمارگر، که بدون شک در وابستگی به انحصارات امپریالیستی رشد می‌کند، باز بساط ویرانگر خود را پهن خواهد کرد.

این امری است که نه فقط با سیاست اقتصاد کشاورزی رابطه دارد، بلکه در زندگی روزمره میلیون‌ها مردم ایران و تغذیه آنها و بودجه خانوادگی آن‌ها تاثیر مستقیم و محسوس دارد.

برای ایجاد تحول و دگرگونی لازم در شرایط پرورش دام، باید خصلت گذشته آنرا درک کرد و زخم‌های عمیق این نوع تولید را، که بیکر مجموع تولید اجتماعی را مانند خوره می‌خورد، شناخت و بر اساس این شناخت، داری لازم را برای التیام تجویز کرد.

شکل‌های دامداری و دامپروری در ایران و نحوه پرورش دام، مانند تولید در رشته‌های دیگر کشاورزی و در صنایع یکدست و هم‌گون نیست. در کنار موسسات بزرگ پرورش دام، که به طریق صنعتی و سرمایه‌داری اداره می‌شوند، دامداری متوسط و کوچک وجود دارد، که هر کدام تا حد معینی و در سطح متفاوتی از وسایل تکنیک تولید برخوردارند. درجه تمرکز سرمایه در انواع پرورش دام به شدت متفاوت است و به همان اندازه نیز درجه دستیابی به تکنیک و وسایل تولید پیشرفته.

صرف‌نظر از معیارهای نام برده، تفاوت کیفی در روابط استثماری تولید، از استثمار سرمایه‌داری تا اشکال مختلف استثمار ماقبل سرمایه‌داری، نشان‌گر عدم هم‌گونی این واحدهای تولید و تفاوت در درجه رشد نیروهای مولده در این بخش از تولید و روابط تولیدی ناشی از آن است.

بنابراین، دامداران کوچک (سنتی) و دامداران متوسط، با مشکلات فراوانی روبرو هستند. دامداری سنتی در زمان شاه‌سابق به علت عدم حمایت دولت و آزادی عمل دامداران بزرگ صنعتی برای بالا بردن تولید خود و بلع قسمت اعظم منابع مالی و اعتباری به شکست محکوم شد و بخش قابل توجهی از دامداران کوچک از حیطة تولیدکنندگان دام خارج شدند.

دامداران بزرگ با تمرکز هرچه بیشتر سرمایه و وسایل تولید و توزیع با دست‌های باز به چپاول پرداختند.

دامداران متوسط، که نسبت به دامداران سنتی از امکانات بیشتری برخوردارند، خود با مشکلات فراوانی در زمینه تولید روبرو هستند. نحوه به کارگیری تکنیک در پرورش دام، گرچه نسبت به دامداران سنتی، اعم از دهقانی و عشایری، تکامل یافته‌تر است، ولی خود بازمحدود است.

در کنار ویژگی‌های تولید، ویژگی‌های دیگری نظیر شرایط آب و هوا، زندگی ایلداری و غیره در دامداری کوچک و متوسط وجود دارد، که برای طرح یک برنامه جامع در جهت هم‌گون کردن تولید باید در نظر گرفت.

مهم‌ترین و قاطع‌ترین تدابیری که برای رشد و اعتلای سطح تولید در دامداری کوچک و متوسط و در مورد دامداری صنعتی و بزرگ باید اتخاذ

کرد، عبارتند از:

x ملی کردن واحدهای بزرگ و صنعتی، کنترل سیاست تولید در جهت حفظ و تثبیت بازار فروش دام، تامین نیازهای مصرفی و بکاربردن وسایل و امکانات در جهت رشد دامداری کوچک و متوسط، تبدیل واحدهای بزرگ به مراکز تقویتی و تجهیزکننده واحدهای متوسط.

x کمک به رشد دامداری متوسط، تجهیزتولید با وسایل مدرن و هم‌زمان با آن نظارت بر سیاست تولید، کاربست شیوه‌های درست و علمی و استفاده از خدمات دام پزشکی.

x دادن اعتبار و تجهیز دامداری‌های کوچک برای رشد سطح تولید و تکامل تولید به سطح دامداری متوسط. جستجو در عمل، تا بهترین و کارآمدترین شکل تولید تعاونی در آنجا که محصول عمده محصول دامی است پیدا شود.

در کنار کمک‌های مادی و اقتصادی به دامداران کوچک و متوسط، باید برای حفاظت از دام‌ها و نگاهداری دام خدمات دام پزشکی را تقویت کرد و با تعیین سیاستی منطبق با نیازهای رشد و تکامل دامداری، دام پزشکی را طبق برنامه‌ای دقیق از نو سازمان داد.

چگونگی اجرای طرح خدمات دام پزشکی

گام‌هایی که برای تحقق این امر حیاتی و مهم برمی‌داریم، باید حساب شده و دقیق باشد. برای سازمان‌دهی خدمات پزشکی، یک بررسی عمیق از وضع موجود و شرایط عینی پرورش دام ضروریست. برای بررسی دقیق از وضع موجود دامداری، باید به نکات زیر توجه شود:

۱- آمار:

برای تهیه آمار می‌توان از امکانات انسانی و

سی جهاد سازندگی، شوراهای ده، مامورین فنی

دام پزشکی و دام‌پروری و مروجین کشاورزی استفاده

کرد.

بدین ترتیب باید برای هر دامدار یک کارت

آمار تهیه شود، که در آن تعداد دام‌ها، میزان

زمین زراعتی قابل‌کشت برای تهیه علوفه و تعداد

اعضای خانواده درج گردد. آمارگیری بهتر است در

فصل زمستان انجام شود.

۲- تقسیم‌بندی کشور:

تقسیم‌بندی کشور به مناطق سردسیر، گرمسیر،

معتدل، مناطق بیلابقی و قشلاقی محسوس (مانند

کرمانشاه، لرستان، کرمان، خراسان) و منطقه

گیلان و مازندران.

۳- شناخت مناطق عشایر و آشنایی با مسیر

عشاير و زمان بیلای و قشلاق.

۴- آشنایی با فرهنگ و سنن دامداران و عشاير

و کاربرد آن در آموزش آنها.

۵- شناسایی و استفاده از تجربیات کادریهای

فنی و افراد ذمه‌داری، که از نقاط مختلف زندگی

کرده باشند و با آشنایی با محیط می‌توانند

تجربیات جمع‌آوری شده را در خدمت تجهیز دام

پزشکی بگیرند.

۶- تعیین امکانات موجود موسسات دولتی از

نظر پرسنل قابل استفاده و وسایل مورد نیاز و

ساختن آنها و تجهیزات.

بعد از تهیه مقدمات کار، باید عملیات اجرایی

برای به ثمر رساندن وظایف زیرین آغاز گردد:

۱- آموزش:

تجربه نشان داده است که می‌توان برای دام

داران کوچک و سنتی و عشايري یک دوره آموزشی

ترتیب داد، زیرا آنها خود تا حد قابل توجهی

خدمات بهداشتی دام پزشکی را به عهده خواهند

گرفت. این دامداران، که توسط گروه‌های آموزش

دام پزشکی آموزش می‌بینند، می‌توانند تا حد پیش‌گیری و رعایت بهداشت اولیه، مانع مرگ و میر و خسارت‌های ناشی از عدم وجود بهداشت دام شوند.

آموزش دامداران از سویی تا حد زیادی هزینه‌های دام پزشکی را کاهش می‌دهد و از سویی دیگر در هر واحد دام‌پروری، به‌طور مستمر، بهداشت اولیه حضور خواهد داشت.

آموزش دامداران سنتی برای پیش‌گیری از نفوذ و شیوع بیماریهای دامی و رعایت بهداشت در واحدهای کوچک پرورش دام بسیار ضروریست. بدین ترتیب دامداران سنتی، بعد از طی آموزش خود، مبدل به کادریهای محلی می‌گردند و می‌توانند خود در حفاظت از دام‌ها نقش با اهمیتی ایفا کنند. آموزش دامداران تا کنون در برخی از استان‌ها، از جمله کردستان و لرستان، انجام شده است، به‌طوری که در لرستان اداره دام پزشکی موفق شد ۲۰۰ نفر را با آموزش فنی و بیش از ۵۰۰۰ نفر را با آموزش ابتدایی آشنا کند.

بخصوص آموزش‌های دام پزشکی برای عشاير کوچک‌نشین مفید است و آنها را از خدمات دام پزشکی در سطوح اولیه خودکفا می‌کند. در طی این آموزش‌ها می‌توان برای تلقیح مصنوعی و تشخیص آستانه آموزشی داد.

تجهیز فنی

ایجاد تاسیسات و تجهیز فنی واحدهای تشخیص بیماری و همچنین واحدهای مجهز برای تهیه و نگاهداری علوفه برای رشد دام‌داری ضروری است.

برای ایجاد تاسیسات دام پزشکی به‌طور وسیع و سازمان یافته و متمرکز در سطح استان‌ها و شهرستانها و شهرهای کوچک در خدمت تسريع امر

تخصص و معالجه بیماری‌های دامی، باید وسایل

ضروری و فنی و آزمایشگاهی تهیه و در مراکز نام

برده مستقر شود.

تجهیز آزمایشگاه مرکز استان زیر نظر یک

دامپزشک مسئول و با حداقل ۴ نفر تکنسین دوساله

دام پزشکی مخصوص آزمایشگاه، شکل مناسب

سازمان مرکز استان است. در اینجا تذکر این نکته

ضروریست که بهتر است کار کلینیک از کار آزمایش

گاه جدا شود و بدین ترتیب سهولت کار تضمین

گردد.

هم‌چنین نیازهای آزمایشگاه درجه ۲ از طریق

مراکز اصلی، از جمله تهران، کرج، اصفهان،

شیراز، تبریز، کرمانشاه، مشهد، کرمان و اهواز

تامین شود. با در اختیار قرار دادن وسایل ضروری

و کمک‌علمی و فنی در سطوح ضروری، کیفیت کار

این آزمایشگاه‌ها بالا خواهد رفت.

تشکیل آزمایشگاه‌های درجه ۳ در شهرستانها

تا حد تشخیص‌های فوری و جمع‌آوری نمونه‌های

مرضی و ارسال آن‌ها به آزمایشگاه‌های استان

می‌تواند ارتباط درمانی این مراکز را با مراکز استان

به خوبی تامین کند.

هم‌چنین در قسمت تجهیزات باید به ایجاد

انبارهای ذخیره علوفه در مناطق دور افتاده و

سردسیر پرداخت و در فصول مساعد علوفه لازم را

تهیه و انبار کرد.

تجهیز کادر

در این قسمت از فعالیت‌های اجرایی باید یک

نفر از مطلع‌ترین دام‌پزشکان به عنوان مسئول

بررسی‌ها و مبارزه در هر استان تعیین شود.

استخدام تکنسین دام پزشکی (واکسیناتور) در حد

ششم ابتدایی، با آموزش مربوطه، قدمی است که

می‌توان برای تکمیل کادریهای دام پزشکی برداشت.

معتقدند که بعلاوه وجود زمینهای بسیار

زیاد، این تحریکات توسط افراد سردسیر

و مشکوک شده‌اند، تا با ایجاد تفرقه،

کشاورزان را از زیر پرده بردن زمینهای

طاغوتیان منصرف کند.

بجاست که از زمین با اتعا خود توطئه

این گروه از تکنسین‌ها باید: ۱- از فرزندان کشاورزان و یا دامداران باشند. ۲- ملزم به زندگی در ده و یا همراهی با عشاير در هنگام کوچ گردند.

در حال حاضر می‌توان تعداد هزار نفر از این افراد را سالیانه آموزش داد و به نقاط مختلف گسیل کرد.

کمک مالی

کمک‌های مالی برای رشد دام‌داری کشور بسیار ضروریست. ولی پرداخت این کمک‌ها باید زیر نظر دقتی، بطور جدی و با تعیین ضوابط و اولویت‌هایی انجام گیرد، که هرگونه حیث و میل و یا سرمایه‌گذاری در امور دیگر را از قبل غیرعملی سازد.

دادن وام بدون بهره و علوفه فقط باید به دامداران و عشايري که نام آنها ثبت شده است و مورد تایید شورای محلی هستند، پرداخت شود. اقساط بازپرداخت بانک را باید به صورت محصولات کشاورزی و دامی نیز پذیرفت، تا از این طریق نیز دامداران از حمایت دولت برخوردار شوند و ضمن توزیع و تضمین برای فروش محصول تولید شده داشته باشند. ضمناً توزیع دام اصلاح شده از جمله کمک‌هایی است که به ویژه در برخی مناطق، مانند بوشهر، کردستان، سیستان و بلوچستان ضروری و پراهمیت است.

هم‌چنین یکسان کردن قیمت داروهای دام پزشکی و علوفه در تمام مناطق کشور و جلوگیری از هر گونه سوءاستفاده می‌تواند در بهبود وضع دام‌داری تاثیر بسزایی داشته باشد.

تدارکات برای شناسایی بیماری‌ها

مسئولین بررسیها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماریهای انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسلوز، جلوگیری از فروش دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. هم‌چنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسلوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

پرورش طیور

پرورش طیور در ایران متأسفانه کماکان همراه با هرج و مرج خاصی انجام می‌گیرد، که یادگار دوران شاه سابق است. مرغ‌داری‌ها (مخصوصاً گوشتی) بی‌رویه گسترش می‌یابند و در نقاطی که برای دام‌داری (گاوداری و یا گوسفندداری) مساعد است، پرورش طیور انجام می‌گیرد و حتی زمین‌های قابل کشت و مناسب برای تولید کشاورزی مبدل به مرغ‌داری می‌شوند، و این امر دقیقاً در رکود کشاورزی تاثیر می‌گذارد. باید برای پرورش طیور مکان‌های مناسبی را انتخاب و تعیین کرد و بدین ترتیب خسارات به دام‌داری و کشاورزی را تنزل داد. برای مرغ‌داری و پرورش طیور باید:

۱- برنامه صحیح پرورش طیور، همراه با ایجاد سردخانه و کشتارگاه و بستهبندی و کارخانه‌های تولیدکننده دان در مناطق مختلف تدوین و اجرا شود. در این‌جا طبعاً باید شرایط جوی و امکانات زراعتی در نظر گرفته شود.

۲- ایجاد شرکت‌های تعاونی مرغ‌داری در هر استان برای تدوین برنامه مرغ تخمی و یا گوشتی در خدمت برآورد کردن نیازهای منطقه باید ایجاد شود. این شرکت‌ها هم‌چنین مدیریت تولید و توزیع را به عهده می‌گیرند و می‌توانند برای حفاظت و بهداشت طیور، با دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی و مراکز دام پزشکی ارتباط برقرار کنند.

توجه به نکات ذکر شده می‌تواند در خدمات دام پزشکی نقش تعیین کننده ایفا نماید. با ایجاد تحرک در خدمات دام پزشکی و انطباق آن با نیازهای اقتصادی کشور، گامی مهم در راه بهبود دام‌داری ایران برداشت.

روستای «خلج یهود کامفیروز» در مرودشت

۷ سال پیش زمینهای اطراف ایسن روستا بعلاوه بستن سد در زیر آب قرار گرفت. با توجه به سهمی که هرزارع داشت، به آنها غرامت پرداخت شد و در نتیجه زارعین از زمینهای خود رانده شدند. یکی از خرده مالکان، که زمینهایش زیر آب نرفت از دادن سهم خود به جنگلیانی خودداری کرد و مدت چندسال با مقامات مربوطه

درگیری داشت. برقمتهای اراضی منطقه غلامرضا، برادرشاه سابق جنگ انداخت. در رژیم گذشته مسئولین اجازه کشت به خرده مالک مذکور را ندادند و در نتیجه این زمینها (۴۰ هکتار) هاطل مانده. مقداری از زمینهای اطراف این روستا، که توسط اداره جنگلیانی درختکاری شده است، متعلق به غلامرضا پهلوی بود که در حال حاضر عرصه صرطا غوتی و ووا بستگان هم دربار رژیم گذشته، دهقانان رانجهان هم انداخته و شروع به تحریک کرده‌اند تا جاشیکه آب را بروی هم بسته‌اند و در نتیجه حیوانات خانگی و مرغان و ماکیان تلف شده‌اند. همه دهقانان به دغاگاه انقلاب شاکي شده‌اند. بعضی از اهالی

دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود ویاکنیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و سوسود شما اجرا شود

نیکاراگوئه : اتحاد نیروهای خاق ضامن پیروزی انقلاب

همکاریهای اقتصادی و فنی شوراهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی با کشورهای در حال توسعه

"جبهه" ساندینیست آزادی ملی (فرنته ساندینیستادلیبراسیون ناسیونال) نیکاراگوئه را کارلوس فونسیکا، توماس بورخه و سلیویوما یورخا، در سال ۱۳۴۰ پایه گذاشتند. از این سمن، تنها توماس بورخه، وزیر کشور کنونی نیکاراگوئه، پیروزی انقلاب و احراز حکومت را چشم خود دید و دو رزمنده دیگر، در جریان پیکار رهایی بخش مردم نیکاراگوئه، که نزدیک به بیست سال طول کشید، جان سپردند.

نام "جبهه" ساندینیست آزادی ملی از آوگوستو سزار ساندینو، قهرمان توده‌های نیکاراگوئه گرفته شده است، که در صدر سیاهی خلقی، در سالهای ۱۲-۱۳۰۶، مقاومتی حماسه آفرین را علیه نیروهای مداخله گر ایالات متحده آمریکا رهبری می کرد. وی در سال ۱۳۱۳ بدست آناستاسیو سوموزا، پدر دیکتاتور مخلوع نیکاراگوئه، نامردانه به قتل رسید.

در مراحل نخستین فعالیت "جبهه ساندینیست آزادی ملی"، فزون بر مارکسیست - لنینیست ها، عناصر ملی دیگری نیز در آن شرکت داشتند. از آنجا که رژیم ترور و خفقان هیچگونه امکانی را برای ابراز کوچکترین نظر انتقادی و بیگانه‌علنی باقی نگذاشته بود، هواداران "جبهه"، مبارزه مسلحانه را بمنابۀ تنها راه سرنگونی رژیم تجویز و ترویج می کردند.

"جبهه"، که نخست از پایه توده‌های چشمگیری بهره‌مند نبود، علیرغم نداشتن سلاح کافی و تجربه نظامی، در همان ماههای نخست پس از بنیانگذاری، به چند حمله مسلحانه به یگان‌های ارتشی و ربودن چندتن از پشتیبانان برجسته رژیم سوموزا دست زد. "جبهه" ساندینیست، گرچه از این راه توانست نام خود، را در داخل و خارج، بروی زبانها بیاندازد و محبوبیتی نیز بدست آورد، اما بعلل نامبرده، همچنین مجبور به جانانزایی و دادن تلفات بسیار گردید.

باتعمیق بحران سیاسی و اجتماعی رژیم سوموزا و گسترش مبارزات روشنگرانه "جبهه" ساندینیست آزادی ملی، قشرهای هرچه وسیع‌تر از مردم نیکاراگوئه به ضرورت سرنگونی رژیم دست نشانده، ورشکسته و خودکامه اعتقاد یافتند. آنها بویژه بمابین ضرورت آگاهی یافتند، تنها با اتحاد عمل و تشکل همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضددیکتاتوری است، که می توان بساط رژیم مغرور و غارتگر را برچید و انقلاب نیکاراگوئه را بمرانجام پیروز رسانید.

این اعتقاد، که در میدان آتش و خون و رویی با دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم استبدادی و شناخت توان اتحاد بدست آمده بود، در روی آوردن هرچه بیشتر سازمانهای ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک به "جبهه" ساندینیست تبلور یافت. مسیحی ها، سوسیالیستها سوسیال دمکراتها، کمونیستها و حتی بخش بزرگی از سازمانهای نماینده بورژوازی ملی، اختلافات عقیدتی خویش را کنار گذاشتند و با حفظ استقلال سازمانی و آرمانی برای پیشبرد هدف مشترک،

چارچوب "جبهه" ساندینیست آزادی ملی را برگزیدند و آنرا با اتحاد خویش تحکیم بخشیدند. امری که بگواهی تاریخ، بعدها خویش را بمنابۀ بنیادی ترین عامل پیروزی بثوت رسانید.

یکی از چشمگیرترین رویدادهای روند مبارزه "جبهه" ساندینیست، اشغال "کاخ ملی"، یعنی مقر پارلمان کذایی سوموزا و برخی دیگر از ادارات او بود. در روز ۳۱ مرداد ۱۳۵۷، یک گروه کاندوبنی مرکب از ۲۶ نفر از اعضای "جبهه" ساندینیست در حمله ای شهادت آمیز، تقریباً همه وزیران و نمایندگان پارلمان نیکاراگوئه را دستگیر و با گروهی از میهن پرستان زندانی معاوضه کردند. این اقدام سبب شد که محبوبیت "جبهه" ساندینیست در میان مردم افزایش یابد، پایه اجتماعی آن گسترش پذیرد و شور انقلابی مردم بالا گیرد.

در شرایط جدید مبارزه، قیام مسلحانه مردم نیکاراگوئه در پائیز ۱۳۵۷ آغاز گشت. میتوان گفت که در این مرحله، "جبهه" ساندینیست آزادی نیکاراگوئه به مهم ترین عامل سیاسی و نظامی نیکاراگوئه مبدل شد.

در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۵۸، "جبهه" ساندینیست پیشتازی گسترده ای را در سراسر کشور آغاز کرد. اعتصاب همگانی ۱۴ خرداد بمابین پیشتاز پس توان بخشید. اواخر خرداد و اوایل تیر بخش مهمی از شهرهای نیکاراگوئه، مانند استلی، ماسایا، لئون و گرانادا زیر کنترل ساندینیستها بود. روز ۱۸ تیر، حمله برای تصرف ماناگوئه شروع و روز ۲۸ تیر بونگرهای ویژه سوموزا تسخیر شد.

پس از سرنگونی رژیم سوموزا، مرحله ای نو در تاریخ پیکار "جبهه" ساندینیست آزادی ملی آغاز گشت. "جبهه"، رهبری همه نیروهای هوادار دگرگونیهای دمکراتیک و مسئولیت گسترش دست آوردهای انقلاب را بدست گرفت. اکنون کوشش می شود که "جبهه" ساندینیست، با تبدیل به پیشاهنگی متشکل و منسجم، هرچه بیشتر باسختی نیازمندیهای روند انقلاب نیکاراگوئه گردد.

کمونیست های نیکاراگوئه در پیکار مسلحانه و آزادی بخش علیه رژیم سوموزا پیوسته نقشی برجسته ایفا کرده اند. آنها که همواره از جانبازان صفوف پیشاپیش مبارزان ضد امپریالیسم و ارتجاع بوده اند، امروزه نیز در چارچوب "جبهه ساندینیست آزادی ملی" و دوش بدوش همه سازمانهای ملی و ضد امپریالیست نیکاراگوئه با پاسداری از انقلاب نیکاراگوئه و دستاوردهای آن و بازسازی ملی به وظائف میهن پرستانه خود ادامه می دهند.

همانگونه که اتحاد وسیع ترین نیروهای خلق و سازمانهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک آنها پیروزی انقلاب نیکاراگوئه را میسر ساخت، اتحاد این نیروها و سازمانها، مسیحیان، سوسیالیستها، سوسیال دمکراتها، کمونیست ها و عناصر ترقی بورژوازی ملی و سازمانهای آنها - در مرحله کنونی گذار و نو سازی نیز، تنها ضامن تداوم روند انقلاب خواهد بود.

همکاریهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی با کشورهای در حال توسعه، طبق قراردادهای و موافقتنامه های میان این کشورها انجام می گیرد که، در آنها اصل داوطلبی و اصول برابری کامل حقوق، احترام متقابل نه حق حاکمیت و استقلال، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و سود متقابل بطور اکید رعایت می شود. این قراردادهای و موافقتنامهها به هیچگونه شرط و تعهد سیاسی مشروط و مفید نیستند، و همین اصول، نمایانگر تفاوتی ماهوی کمکهای اقتصادی و همکاریهای فنی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال توسعه، نسبت به این روابط با کشورهای سرمایه داری امپریالیستی است.

از یکسو شناخت منافع واقعی ملی، بدور از هر گونه تعصب و پیشداوریهای ضد کمونیستی و تنگ نظریهای ناسیونالیستی و عقیدتی در نزد کشورهای در حال توسعه، و از سوی دیگر رشد روز افزون توان اقتصادی و امکانات فنی و تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی موجب گردید هاست که روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی کشورهای در حال توسعه با کشورهای سوسیالیستی سال به سال گسترش یابد.

دراواشل سالهای ۶۰، کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی با ۳۴ کشور در حال توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی داشتند و در زمینه های فنی با آنها همکاری می کردند. اکنون تعداد این کشورها به ۱۰۶ کشور رسیده و حجم معاملات بازرگانی و اقتصادی با آنها سی برابر شده است.

کشورهای سوسیالیستی، برخلاف دول امپریالیستی که تلاش دارند کشورهای در حال توسعه را با صدور سرمایه و کالا و استثمار منابع طبیعی و انسانی، غارت کنند، در روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی خود با کشورهای در حال توسعه، به تقویت بنیه اقتصادی، ایجاد پایه های صنعتی و منابع انرژی، پرورش کادرهای متخصص فنی و فرا گرفتن تکنولوژی معاصر در این کشورها کمک می کنند.

تاکنون در کشورهای در حال توسعه، با همکاری فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی، واحدهای صنعتی ذوب آهن با ظرفیت تولیدی متجاوز از ۳۰ میلیون تن فولاد و چندین احداث گردیده و از آنها بهره برداری می شود.

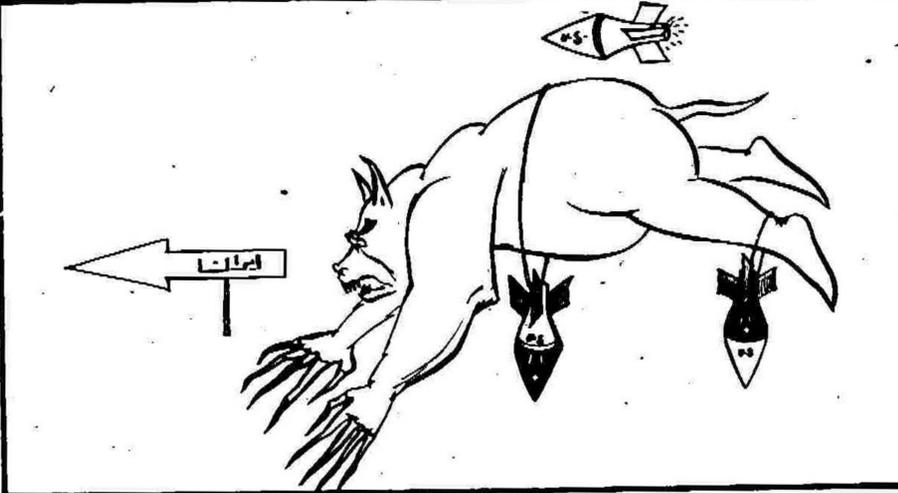
ظرفیت تولید نیروی برق مجموعه نیروگاههایی که با کمک کشورهای سوسیالیستی در این کشورها ساخته شده، بیش از ۱۶ میلیون کیلو وات ساعت برق است.

با کمکهای فنی شرکت کارشناسان کشورهای سوسیالیستی، تاکنون در کشورهای در حال توسعه ۲۰۰ واحد صنعتی، ۲۳۰ پالایشگاه نفت و واحدهای صنعتی پتروشیمی احداث شده و از آنها بهره برداری می شود.

شماره مجموع واحدهای تولیدی که با همکاریها و کمکهای فنی کشورهای سوسیالیستی در کشورهای در حال توسعه ایجاد گردیده، بمقدار هزار می رسد. کارشناسان کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی، در زمینه های اکتشاف و استخراج منابع طبیعی نیز به کشورهای در حال توسعه کمکهای ارزنده ای می کنند.

در زمینه پرورش کادر و کارگران متخصص تاکنون متجاوز از ۲۰۰ هزار کارگر و استاد کار از کشورهای نواستقلال دوره های آموزشی فنی را، که بوسیله کارشناسان کشورهای سوسیالیستی در این کشورها تشکیل شده است، طی کرده اند، و علاوه بر این، بیش از ۴ هزار هنرآموز و دانشجو از کشورهای در حال توسعه در هنرستانها و دانشکده های فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی بطور رایگان تحصیل می کنند.

گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی کشورهای در حال توسعه با کشورهای سوسیالیستی، مبنای استقلال اقتصادی این کشورها را استحکام می بخشد و بمبارزه این کشورها در راه برقراری نظام نوین و برابری حقوق بین المللی در روابط اقتصادی و بازرگانی با دول امپریالیستی مساعدت می کند.



مردم قبرس از تبدیل کشور خود به زرادخانه شناور بیمناکند

دستگاه های غول پیکر را در دریا بگا نذا می بریتانیا، "دکلیا"، در دریا غله "گرکو"، واقع در قبرس، تنها با نگراهمیت بیزار بی است که کشورهای امپریالیستی برای مدیترانه خاوری، سراسر منطقه خا ورمیانه و در نتیجه قبرس، از نظر نظامی و استراتژیک، قائل هستند. چنانکه مجله قبرسی "دموکراسیا"، ما هنام "حزب ترقی خواه زحمتکش" (آکل)، چندی پیش نوشت:

"با لات متحده آمریکا میخواهد از بگا های خود دیگر کشورهای "نا شو" در مدیترانه برای ما موریت های تنبیهی استفاده کند: بنوشتها این مجله، مردم قبرس از اینکه در این زمینه از بگا های نظامی بریتانیا در این جزیره دریای مدیترانه نیز سخن برده می شود، پس نگرانند و می افزایند، ظاهراً بگان های واگش سریع نیز، گه واشنگتن برای ما جرایبی های خویش در خا ورمیانه و خا ورنزدیک پدید آورده است"، در قبرس مستقر خواهد گردید.

پس از انقلاب ایران و سرنگونی رژیم شاه، اهمیت استراتژیک قبرس برای امپریالیست ها، بویژه امپریالیسم آمریکا پس افزایش یافت. چنانکه از کیس با پا - شیوانو، دبیر کل آکل، چندی پیش اعلام کرد:

"مدتهاست که هوا بیما های جا سوسی

"یو-۲" با لات متحده آمریکا دریا بگا های بریتانیا در قبرس مستقر است. مقصد این هوا بیما ها کشورهای عربی است، اما عملیات شان همچنین متوجه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. بموجب اطلاعات ما، دستگاه های الکترونیکی را، که در زمان شاه در ایران بود، اکنون به با بگا های بریتانیا در قبرس منتقل شده اند. علاوه بر این، خبر داریم که بخشی دیگر از این تجهیزات نیز در شمال جزیره ما، بگا اینک با شغال ترکیه در آمده، استقرار یافته است. بسخن دیگر، بیمناکیم که جزیره ما به بگا های برای اعمال سیاست تجا و ژا میزا با لات متحده تبدیل گردد، اما هیچگاه اجازه نخواهیم داد که خاک ما خاستگاه شعری علیه هیچ کشور دیگر جهان باشد."

نیکوس رولاندیس، وزیر خارجه قبرس، در مصاحبه ای اظهار داشت که:

"قبرس، بمنوان کشوری کوچک، واقع

در منطقه ای حساس از جهان، در برابر هر کوششی، مبتنی بر تبدیل به بگا "نا شو" علیه کشورهای عربی مقاومت خواهد کرد". دکتر واسون لیساریس، صدر اتحادیه دمکراتیک مرکز (ا دک) قبرس اعلام داشت: "قبرس، بمنوان یک عضو فعال جنبش غیر متعهدها، اجازه نخواهد داد که امپریالیسم با لات متحده آمریکا از جزیره ما برای پیش برد سیاست تجا و ژکا را نه خویش سو استفاده کند. ما با همه نیروها تلاش با لات متحده برای استفاده از بگا های نظامی قبرس علیه کشورهای نفت خیز خا ورنزدیک و کشورهای سوسیالیستی به مقابله برخوایم خواست". بسیاری از سیاستمداران قبرس، بسا وقوف به موقعیت حساس کشور خود، خواهان آن هستند که سیاست تنش زدا بین المللی ادا می یابد. برای نمونه پرزیدنت اسپیریوس کیپریریا نوا اعلام داشت: "برای اینکه بشریت در صلح زندگی کند و از کابوس جنگی دهشتناک آزاد شود، لازم است که تصمیمات هلسینکی اجرا گردد."

پانوس پاراسکا واپیس، نماینده پارلمان

قبرس ورشمن کمیته آوارگان، این واقعیت را خاطر نشان ساخته است که، با بگا های نظامی بریتانیا، خطری دائمی برای قبرس بشمار می آید. وی، ضمن اشاره به تجا و ژکا و فزاینده امپریالیسم، افزود: "ما قطعاً نه خواستار زبرچیدن بگا های نظامی بریتانیا و خروج نیروهای بیگانه از قبرس هستیم". کریستوس موس، بزرگ اسقف کلیسای قبرس، اظهار داشت: "خواستار حل مشاجرات از راه صلحیانه، بهمان اندازه که بر بگا های اصول مسیحی صلح و عدالت استوار است، پاسخوکی آرزوی انسانها برای استقرار جوتنش زدا می همکازی است. ما مسیحیان قبرس، هم برای صلح و هم در راه عدالت می رزمیم، زیرا یکی از دیگر جرایم نیست. مسئولیت مسیحی ما ایجاد می کند که در برابر ما بقه تسلیماتی مقاومت و رزم، زیرا جانی مملو از جنگ افزار، نه تنها زندگی ما را از بین خواهد ساخت، بلکه تنها موجب نابودی خواهد بود."

سیم آخر...

از نامه محرمانه برزیسکی، مشاور امنیتی کارگر به وزیر خارجه سابق آمریکا، فلش کشیده توسط آقای بنی صدر رئیس جمهوری
رئیس جمهور (کارگر) معتقد است که اقدامات مورد نظر می باشد با هماهنگی وزارت دفاع و سایر ادارات و مؤسسات صورت پذیرد. لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد تیر هیزداری قرار داد. رئیس جمهور (کارگر) معتقد است که پایان حمایت سیمانی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد...

در این جملات بختی از دستورالعمل استراتژیک گردانندگان کاخ سفید برای توطئه های براندازی علیه انقلاب ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی است. هموطنان، انقلابیون، علاقمندان به سرنوشت انقلاب! تجربه ثابت می کند که باید هشیاری را مدچندان کنیم. توطئه جدیدی در راه است. مسلماً مرحله تازه ای از برنامه استراتژیک براندازی، که کاخ سفید امپریالیسم سیاه دل آمریکا تدوین کرده، در کار تدارک و اجراست. همیشه اینطور بوده. در این یکسال و نیم، هر وقت مرحله تازه، یا حمله خطرناک، یا توطئه شومی علیه موجودیت جمهوری اسلامی ایران، علیه انقلاب ما و استقلال کشور در جریان بوده، بعنوان زمیننه تدارکاتی، اقدامات و تحریراتی که مطابق با نامه محرمانه برزیسکی و دستورالعمل فوق الذکر بوده، روی داده است. و سپس یک کارزار نظامی وسیع، با یک پیاده کردن نیروی نظامی در طیس، با یک توطئه مرگبار پایگاه همدان، سازمان داده شده است.

حالا هم، آنچه برخی از روزنامه ها "نامه شدیدالحن قطب زاده به وزیر خارجه" شوری نامیده اند، نشان میدهد که زمیننه ای دارد چیده می شود. این نامه طابق النعل بالنعل با اجرای دستورالعمل مذکور می ماند. گویی یکی از اقدامات مورد نظری است که میبایستی با هماهنگی وزارت دفاع آمریکا و سایر صورت پذیرد، تا آن "جو سوء ظن و عدم اعتماد" ایجاد و مورد بهره برداری قرار گیرد. در آستانه رویداد اردیبهشت ماه - طیس و در آستانه رویداد تیرماه - همدان، باز هم قطب زاده دور فراوان برداشته بود و با گردوخاک کردن زمیننه چینی، تدارک جو مورد نظر را وجه "همت" خود قرار داده بود. او حالا دیگر، در آخرین روزهای وزارتش، به سیم آخر زده است و دروازه پیمان نفس نفس زندهای خویش، در سراشیب تند "نه شرقی، فقط غربی"، از مقامی که هنوز هم دارای آنست، برای تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم جمهوری اسلامی ایران سوء استفاده می کند. آیا در آستانه کدام رویداد قرار داریم؟

آنچه که در این نامه مربوط به دولت اتحاد شوروی، همسایه ما، دوست مدیق مردم ایران و حامی راستین انقلاب بزرگ ما می شود، مطلبی است که مقامات خود آن دولت، اگر لازم و سزاوار بدانند، به آن پاسخ خواهند داد. ولی در این نامه مسائلی مطرح است و بنحوی مطرح است و از جانب مقامی مطرح است که مربوط به همه ایرانیان طرفدار انقلاب و استقلال می شود، به همه کسانی که مخالف با اجرای نقشه های کارگر و دستورالعمل های برزیسکی هستند. و در این مقطع، مطالب نامه "قطب زاده" به سرنوشت انقلاب ما و به توطئه ها و تدارک زمیننه و توطئه های آمریکا بی مربوط می شود، زیرا این مطالب چیزی نیست جز تحریک، اغلال، ایجاد محیط بدبینی، ایجاد جو عدم اعتماد، کوشش برای سلب هرگونه "حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی"، ایجاد تیرگی در روابط، منزوی کردن ایران و انقلاب آن و فراهم کردن کلیه شرایط، طبق نسخه نامه محرمانه برای ضربات براندازی البته برپا به دروغ، ناسزا و اتها م.

اگر مطالب نامه "این محتوی هدف را نداشت، اصلاً شایسته کمترین توجهی هم نمی بود." نامه "فرق چندانی ندارد با یک مقاله تحریک آمیز و مبتذل، مملو از دروغ، ناسزا و اتها م، که در فرنگستان، یک آقا زاده" و قبح طرفدار بختیسار سرسری می نویسد، یا یک گوینده جلف رادیوی ضد انقلاب هوادار اویسی، هر روز دهها نظیرش را میخواند.

و اعطایش در راه استقلال و آزادی ایران شهید شده اند و مدتها نغز از اعضا و رهبران سالهای سال در سپاه جاها، زندانها و شکنجه گاه های ساواک، چون کوه استوار ایستادند، در مکتب رزم مردم تربیت شدند و به طاعت غوث نشسته گفتند، سر تا راز ناسزا به حزبی است که به کجراهه و مستمر از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکند و بطور مشروط عملی و با نتایج مشهود و ملموس، تمام نیروی خود را در خدمت تعمیق و دفاع از انقلاب ایران و در خدمت نجاسات جمهوری اسلامی ایران از توطئه های دشمن گذار و مکار، که در همه جا عوامل و مر - سپردگان خود را دارد، قرار داده است. این سرمایه سیاسی خوش بختی برای جناب قطب زاده نیست قبل از او همین راه را تیموریان و پارتی ها و پهلوی ها و نصیری ها، آزمون ها و نیک خواه ها، آزموده ها و اویسی ها، امپراتورها و مقدم مراغه ای ها رفته اند، به این دو جمله توجه کنید: "ستون پنجم خود، یعنی حزب شناخته شده ای را تجدید سازمان نموده، تادرتحریر و ایجاد اختلاف... از هر جهت مجهز یا شناسد" ستون پنجم استعمار از درون به تضعیف نیروی ملی در مقابل با استعمار رگسز آن می پردازد.

فکر می کنید کدام یک از این دو جمله را قطب زاده در نامه "منتشره در ۵۹/۱/۲۳ نوشته و کدام یک از سرمقاله "ایران نوین" ۱۵ مرداد ۱۳۵۹ نقل شده است؟! گویی ابردهستی هر دو را از سر توده یک کرباس بریده است... فقط این دومی در نبرد با حزبی که آرمایش خدمت به مردم زحمتکش و به استقلال و آزادی ایران است، تا آنجا که میبایست رفت و نوشته که با درهم کوفتن توده ایها، "با استظهار به نظام پر - قدرت شاهنشاهی و با اتکا به رهبری امامیانه شاهنشاه، در میان توفانهای مهیب، بسوی اعتلا و سر بلندی واحیا عظمت ایران ره گشود!" ولی آن اولی هنوز - جرات نکرده با حد و آشکارا نامرغ طوفان (۱) هژواوی کند، دشمنان انقلاب ما، از هر رنگ و با هر نامی، مراحتاً و با رها گفته اند که هدف توطئه های سرکوب آنها هواداران واقعی و صمیمی امام خمینی و اعضا و هواداران حزب توده ایران است.

نمی توان گفت که قطب زاده تنها در هیئتی ضد توده ای خود کور است و از روی نادانی عمل میکند، او معرانه و پیگیر مشی ای را دنبال می کند که دقیقاً با نامه محرمانه برزیسکی میخواند و با ب طبع آنها همی است که در آرزوی نظام پر قدرت (۱) تا آنها همی آه میکشوند تا له می کنند.

این هم زیاد جای تعجب ندارد. خود او در این نامه "سیا" تمهیداً رانه با تراحت انقلابی! "خوبتر را بومیدهد. در کشوری که تمام مردمش، رهبری امام، علیسه امپریالیسم آمریکا و کلیه مستکبرین و انحارات امپریالیستی و صهیونیستی بها خاسته و سنگ بر روی سنگ تبلیغات دروغین امپریالیستی "جهان آزاد باقی نگذاشته اند، ناگهان از وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، با مراحت!" از خود بیخود میشود و در بند ب قسمت دوم نامه "خود می نویسد: "پول رایج روسیه برخلاف کشورهای آزاد دنیا در خارج از آن کشور ارزشی ندارد!" صحبت بر سر اینست که چگونه وزیر و "نماینده" جمهوری اسلامی ایران، یعنی کشوری که میخواهد ابتدا زبند سیستم بهره کشی و استکبار کشورهای امپریالیستی جدا کند و نمی خواهد سر به نه هیچکدامشان باشد، بخود اجازه میدهد که این کشورها را "آزاد" بنامد. برای قطب زاده که در چرخه تان چشم به دنیای "سیا" ست گشوده و دریای تخت های اروپای غربی بزرگ شده، ایالات متحده و ژاپن و فرانسه و انگلستان، "آزاد" بشمار میروند، آخر مگر نه اینست که پول رایجشان در خارج ارزش دارد! دست سریزاد به این مدعی انقلاب و مراحت انقلابی!

قطب زاده که خصومتش با دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و کوششهایش برای "حل" امپریالیستی پسند مسئله "گروگانها" و از جمله جعل اخبار، رانه ها و وپها مها، بر کسی پوشیده نیست، بحالا آنها را دانشجویان عزیز و گمنام "مینامد، ازکی تا بحال دانشجویان، که جاسوسها نه را تصرف کرده اند، برای قطب زاده "عزیز" شده اند؟ مگر کسی فراموش کرده است که وی، در مقام تصدی تلویزیون و سپس وزارت خارجه، چه خرابکاریها و حتی توهین ها در حقیقت دانشجویان مسلمان بیرو خط امام روا داشت و آنها را به "نی مالتی و ابتدال" متهم کرد؟ وی حتی در منشا "وانگیزه" عمل آنها تردید کرد و در اوج حمایت عمومی مردم از آنها، نخستین ضربات را بر آنها وارد ساخت. در حالی که امام خمینی - سزای بارها گفته بود، این "جوانها ما را سرفراز کردند". آقای قطب زاده گفت: (کیهان ۱۹ اسفند ۵۸) "من برای آن آقایی که آنجا هستند امانت و اهمیتی قائل نیستم

رفتار غیر مسئولانه برخی از افراد سپاه پاسداران درستز در شان انقلاب نیست

رفیق منصور برون را آزاد کنید!

در تاریخ ۵۹/۴/۱۵، یکی از هواداران حزب توده ایران بنام محی الدین وکیلی، به "جرم" داشتن یک شماره نامه "مردم" درستز بازداشت شد و ۱۸ روز در بازداشتگاه بسربرد.
 روز ۵۹/۴/۳۱، یکی دیگر از هواداران حزب توده ایران، بنام منصور برون، به "جرم" فروش روزنامه "قانونی و علمی نامه" "مردم" درستز بازداشت شد و تاکنون در بازداشتگاه بسر می برد.
 حوادث فوق درستز روی داده است و متأسفانه نمایانگر عدم شناخت بعضی از مسئولین اردوستان و دشمنان انقلاب شکوهمند ما است.
 حزب توده ایران به شهادت ۳۸ سال مبارزه بیگیر خود برای آزادی و استقلال ایران و به شهادت صدها سند، اطلاعیه و بیانیه، از آغاز انقلاب شکوهمند ایران تاکنون، درستز دفاع بیگیر از انقلاب و دستاوردهای آن قرار داشته است.
 سازمان حزب توده ایران درستز در مدت یک سال و نیم که از انقلاب می گذرد، با توجه به ویژگی منطقه کردستان، نیروی راستین مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران بوده است.
 آنچه مایه حیرت و تأسف است، برخورد نادرست بعضی از پاسداران انقلاب در ارتباط با فعالیت قانونی رفقای هوادار حزب درستز است. این برخوردها تاکنون منجر به دستگیری دونفر از هواداران حزب و بازداشت یکی از آنها تا این تاریخ شده است.
 به مناسبت بازداشت غیرقانونی یکی از هواداران حزب، سازمان حزب توده ایران در سقز نامه ای به نماینده دادستان انقلاب اسلامی ایران - استان کردستان تسلیم کرده و در آن آزادی رفیق بازداشت شده را خواستار شده است. ما از مقامات مسئول می خواهیم که مانع ادامه رفتار غیرمسئولانه برخی از پاسداران شوند و سریعا برای آزادی رفیق منصور برون اقدام نمایند.

... بهترین افشاگرها... بستون نظارت... مرجعی ملاحظیت دار... بوده و غالباً مبتذل است.

آیا وی تزویر نمی کند که حالا آنها را عزیز میخواند؟ قطب زاده چه کسی را میخواهد خوب کند؟ خودش خوب است و فکر می کند که میتواند دیگران را، با تزویر، خوب کند.

کارنامه قطب زاده را، لااقل در دوران وزارت امور خارجه اش، کمتر کسی است که نداند. روز ۱۳۴۰ و راقی آنرا، متضمن اسناد و مدارک، در نامه "مردم" منعکس کردیم، که مراجعه مجدد به آن بسیار آموزنده است، کارنامه کسی که نامه "سماش پنجشنبه با اطلاع افکار عمومی ایران" میرسد، ولی از دو روز قبل روزنامه "واشنگتن استار" چاپ ... ایالات متحده آمریکا آنرا منتشر و تفسیر کرده بود! بسیار رندکسانی که میگویند: چه حیف که آدمی چنین سطحی و مقیر بتواند مدعی شود که "نماینده" انقلابی به این عظمت و عمق است، ولی او نماینده انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران نمی تواند باشد. "سیا" است و تحریف کننده ما هیت انقلاب ما و مسخ کننده جمهوری اسلامی ایران است. مبرم تر و خادرو حیا تی ترا تکه، سیاست و فعالیت امپریالیستی و برای این انقلاب و جمهوری و سرنوشت آن خطرناک است، زیرا که در خط آمریکا است. "نامه شدیدالحن" قطب زاده هم درست در جهت نامه محرمانه برزیسکی است، نکته بنکته، دستورالعمل های آن را اجرا میکند و موبه موباً منافع امپریالیسم آمریکا میخواند.

ولی مطمئناً قطب زاده کوچکتر از آنست که بتواند دستورالعمل نامه محرمانه برزیسکی را اجرا کند. او بدون تردید موفق نخواهد شد که دوستان انقلاب ایران را تحریک و عصبانیت کند، سوء ظن و عدم اعتماد بها فریبند و جو مورد علاقه آمریکا را ایجاد نماید. ما مطمئن هستیم که هیچگونه تحریک و فتنه انگیزی، هر قدر هم "استادانسه" تنظیم شود، تشبثات کودگانه و سپکرا نه قطب زاده که جای خود دارد نمیتواند اتحاد و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و نهفت های امیل ضد امپریالیستی و انقلاب های بزرگ عمر ما را علیه دشمن مشترک آنها، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، درهم شکنند. دوستی و همکاری انقلاب ایران و مردم انقلابی ما با دولت و مردم اتحاد شوروی، در سربدا صولی آنها، علیسه امپریالیسم، بقدری بزرگ و ریشه دار و حیاتی است، که قطب زاده آدمی، اصولاً نمیتواند مانعی در راه آن بحساب آید. بدون تردید انقلاب ایران، در روند متعالی خویش، هر خن و خا تا کسی را از سراه خود بکنار خواهد زد.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود



صهیونیست‌های اسرائیلی اقدامات تجاوزی خود را گسترش میدهند

صهیونیست‌های تل آویو، علی‌رغم اعتراض گسترده جهانی با کمال کتبی سیاست تجاوزکارانه خود را در سرزمین‌های اشغالی عرب اجرا می‌کنند. دولت تل آویو برنامۀ ضبط و تصرف اراضی وسیعی در کرانه غربی رود اردن را اعلام کرده است. قرار است در این اراضی جاده‌ای، که نابلس را به آبادی شبه نظامی الون موره متصل کند، ساخته شود. صهیونیست‌های تل آویو با غلبه اراضی ساکنان عرب، آبادی‌های شبه نظامی یهودی نشین در کرانه غربی رود اردن ایجاد می‌کنند.

از سوی دیگر گزارش‌های رسیده از کرانه غربی رود اردن نشان می‌دهد که جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی عرب، که در زندان‌های دژخیمان صهیونیست دست به اعتصاب غذا زده‌اند، گسترش می‌یابد. مدها تن از زندانیان سیاسی عرب، چند هفته است که در زندان‌های اسرائیلی دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

همکاری رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل

همکاری‌های رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل، بویژه در زمینه نظامی، روز بروز گسترش بیشتری می‌یابد.

در پایان دیدار "یاریو"، ژنرال باز-نشسته اسرائیلی از افریقای جنوبی، گفته شده که معاملات تسلیحاتی دو کشور در سال آینده به میزان چشمگیری افزایش خواهد یافت. "یاریو" بگفته خود برای "آشنایی با جریان‌های فنی و نظامی افریقای جنوبی به این کشور سفر کرده بود.

در سال‌های اخیر رژیم‌های اسرائیل و افریقای جنوبی، که هر دو از حمایت قاطع آمریکا برخوردارند، یک رشته فعالیت‌های گسترده را در زمینه صنعتی و نظامی آغاز کرده‌اند. افریقای جنوبی، که دارای منابع غنی فلزات گرانبها از جمله اورانیوم است، مواد اولیه نوردنیاز اسرائیل را، بویژه اورانیوم، کرم‌وغیره فراهم می‌کند و اسرائیل نیز در زمینه‌های تسلیحاتی کمک‌های قابل ملاحظه‌ای در اختیار رژیم پرستان پرتو قرار می‌دهد.

دیدار ژنرال باز-نشسته اسرائیلی از افریقای جنوبی، نگرانی مردم افریقا را دوچندان کرده است.

تجاوز مسلحانه چین به مرزهای ویتنام

دره‌های نو، گزارش تحریکات مسلحانه چین در مرز ویتنام در دوروز اول ماه اوت، منتشر شد.

بموجب این گزارش، در این مدت سربازان چینی چندین ربه‌روستا‌های ایالت‌های مرزی ویتنام، از جمله ایالت فوانگ سن حمله کردند و دهها خانه‌روستایی را ویران ساختند. هواپیماهای نظامی چین نیز بارها به حریم هوایی ویتنام تجاوز کردند و کشتی‌های چینی نیز وارد آب‌های سرزمین ویتنام شدند.

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا

تلاش امپریالیسم، بسر کردگی

امپریالیسم آمریکارا برای احیاء

جنگ سرد محکوم کرد

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا، در کاراکاس به کار خود پایان داد. سخنرانان در کنگره ضمن اثبات ربه‌وضع جهانی اعلام کردند که امپریالیست‌ها، و در درجه اول امپریالیست‌های آمریکایی، تلاش می‌کنند که وضع جهانی را متشنج سازند و جهان را به دوران جنگ سرد بازگردانند.

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا در قطعنامه خود از مبارزه خلق افغانستان برای ساختن زندگی نوین حمایت کرد و توطئه امپریالیسم جهانی و ارتجاع بین‌المللی را علیه انقلاب افغانستان محکوم ساخت.

کنگره اعلام کرد که دولت افغانستان مانده دولت مستقل و ملی دیگر می‌تواند برای دفع تجاوز و بیشرمانه خارجی در چهارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از کشورهای دوست تقاضای کمک کند.

کنگره، همبستگی کمونیست‌های ونزوئلا را با مردم بولیوی و لس‌لوا دور، که علیه رژیم‌های نظامی دست نشانده مبارزه می‌کنند، اعلام داشت و در عین حال خواستار همبستگی بیشتر جهانی با مبارزه

استیضاح پارلمانی کمونیست‌های یونان درباره شرکت دولت یونان در تجاوزات آمریکا علیه ایران

با دولت یونان نیز دیدار کرده‌اند و ضمن توضیح نظرات دولت آمریکا، خواست تفاهم و پشتیبانی آنرا مطرح ساخته‌اند.

با از دولت می‌خواهیم که به احساسات عمومی پاسخ گوید، منافع ملی ما را در نظر گیرد، استقلال خویش را از مواضع خطرناک آمریکا اعلام دارد و از توجیه این سیاست دست بکشد.

دولت یونان باید اعلام کند که اجازه نخواهد داد تا از سرزمین یونان برای هیچ‌گونه اقدامی علیه ایران استفاده شود و از شرکت در نقشه‌های احتمالی "جامعه اقتصادی اروپا" و "ناتو" علیه آن کشور خودداری خواهد ورزید. باتوجه به اهمیت موقعیت یونان در نقشه‌های تجاوزکارانه ایالات متحده، چنین اظهارنهایی از سوی دولت در حال حاضر خدمت بزرگی به امر دفاع از صلح اقلی خواهد شد.

دولت تاکنون تاکنیک سکوت را اختیار کرده است، که در واقع باعث تشویق ماجراجویان پنتاگون خواهد گشت. از سوی دیگر، نمایندگان یونان در بروکسل، در پشتیبانی دیپلماتیک "ناتو" از اقدام جاسوس‌کارانه، شرکت ورزیدند.

بنابراین، از وزیر خارجه خواستاریم که در پارلمان به پرسش‌های زیرین پاسخ دهد:

۱- نظر مشخص دولت یونان درباره تجاوز اخیر ایالات متحده به ایران چیست؟

۲- مضمون تماس‌های نمایندگان دولت آمریکا با دولت یونان چه بوده و چه پاسخی در پی داشته است؟

۳- آیا دولت یونان پیشنهاد‌های نامبرده را برای اعلام استقلال از تحریکات جنگ افروزان ایالات متحده و پاسداری از صلح می‌پذیرد؟

پس از توطئه نافرجام طس، گروه پارلمانی حزب کمونیست یونان، دولت آن کشور را در این باره استیضاح کرد. در پرسش این گروه از دولت یونان، که متن آن اکنون بدست ما رسیده است، می‌خوانیم:

"آخرین اقدام تجاوزکارانه و جنگ افروزان ایالات متحده، آمریکا در نقض فاحش حق حاکمیت مردم ایران از سوی آن دولت، خشم همه نیروهای صلح‌دوست جهان را برانگیخته است. این اقدام نشان می‌دهد که نگرانی باصلاح بشردوستانه امپریالیست‌ها چیزی جز بهانه‌ای برای مداخله مسلحانه و رویارویی با انقلاب ایران نیست.

مردم یونان اقدام وقیحانه امپریالیسم را بیدرنگ بطرق گوناگون محکوم کردند و نگرانی خود را از مخاطره صلح در منطقه حساس مجاور کشور خود و در سراسر جهان ابراز داشتند.

چنانکه میدانیم، محافل تجاوزکار ایالات متحده برای جلب پشتیبانی کشورهای که در مدارهای سیاسی و نظامی آنها حرکت می‌کنند، اهمیت فراوان قائل هستند و در این زمینه سخت تلاش می‌ورزند. بدین ترتیب جو رویارویی، که اینک از سوی ایالات متحده آمریکا برانگیخته و دامن زده می‌شود، این خطر سهمگین را بیار می‌آورد که کشورهای دیگر نیز در ماجراجویی‌های جنگ افروزان علیه منافع خلقها درگیر گردند.

موقعیت یونان در این زمینه بس خطرناک است چون محتفل است که پایگاه‌هایی که در سراسر کشورمان برانگنده است، چنانکه گفته‌های محافل میلیتاریستی و نمایندگان "ناتو" ثابت می‌کند، به تخت جهشی برای ایالات متحده تبدیل شود. چندان از رهبران سیاسی و نظامی ایالات متحده

مردم شیلی و گواتمالا شد.

کنگره اعلام کرد که تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه کوبا ای انقلابی باید هرچه زودتر پایان یابد.

کمونیست‌های ونزوئلا حمایت خود را از انقلاب نیکا را گوشه اعلام کردند. در قطعنامه کنگره تاکید شده است، که ما ثقیست‌های چین با همدستی وقیحانه با امپریالیسم آمریکا، به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری خیانت کرده‌اند.

دبیرکل حزب کمونیست ونزوئلا در پایان کنگره گفت که این حزب برای تحکیم و همبستگی هر چه بیشتر جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و حمایت هر چه بیشتر از خلق‌هایی که علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند، تلاش خواهد کرد.

مردم آمریکا به حزب دمکرات:

عوام‌فرایی بس!

خبرگزاری‌های غربی که جزئیات "کنوانسیون حزب دمکرات آمریکا را در نیویورک با آب و تاب فراوان مخابره می‌کنند، در باره یک رویداد مهم سکوت مطلق اختیار کرده‌اند. از آغاز گشایش کنوانسیون حزب دمکرات در نیویورک، هر روز هزاران آمریکایی در اطراف محل برگزاری آن جمع می‌شوند و فریاد می‌زنند: "عوام فریبی بس است"

مردم تظاهرکننده از جمله شعار می‌دهند: "پول مردم را برای ایجاد مشاغل جدید اختصاص دهید، نه برای ساختن سلاحهای جنگی."

دیدار برژنف و هونکر

اریش هونکر رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان در کریمه با لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی ملاقات و مذاکره کرد. این دیدار در چارچوب مشورت‌های منظم رهبران کشورهای سوسیالیستی صورت گرفت.

در چند هفته گذشته رهبران رومانی، لهستان، بلغارستان و چکسلواکی نیز در کریمه با لئونید برژنف مذاکراتی انجام دادند.

برژنف و هونکر اعلام کردند که روابط بین‌المللی فرنج و متشنج شده و امپریالیسم آمریکا بخيال خود تمیم گرفته است که نسبت به اتحاد شوروی برتری نظامی بدست آورد و بدین جهت به مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند.

رهبران اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان اعلام کردند که لازم است برای حصول به صلح و سلامتی کاشی تشنج اقدام‌های قاطعی صورت گیرد.

حمله اوباش به محل فروش نامه «مردم» در ورامین و کتابسوزان

روز سه‌شنبه ۵۹/۵/۲۳، ساعت ۷ بعد از ظهر، یکده از اوباش بی‌مسئولیت به کتابفروشی و محل فروش نامه "مردم" در ورامین، واقع در نزدیکی کارخانه قند ورامین حمله بردند.

بازهم عده‌ای چماق بدست و عریضه‌جو با یورش وحشیانه خود یکی از هواداران حزب توده ایران را که، در محل بود، بسختی مضروب و مجروح کردند و بعلاوه یک پیرمرد دهقان را که در آنجا حاضر بود و از کتابفروشی در برابر حمله مجروح ساختند. اراذل بی‌مسئولیت و عناصر خرابکار برای تکمیل عمل خویش نشریات و کتب را بیرون کشیدند و آتش زدند.

بنابه اخبار واصله در بین حمله کنندگان قانون شکن، همان افرادی که قبلا به فرمانداری نیز یورش برده بودند دیده می‌شدند. آنها از عناصر ضدانقلابی شناخته شده هستند.

تانهادهای قانونی کشور حرمت سخن و اطلاعیه و تصمیم خویش را نگه ندارند و این عناصر را که نیت شوم ضدانقلاب را اجرامی‌کنند و امنیت قضائی را به خشن‌ترین وجهی لگدمال می‌کنند، مجازات نکنند. نظیر اینگونه قانون شکنی‌ها ادامه خواهد یافت و اراذل بادست باز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اطلاعیه‌های عالیترین مقامات قضائی کشور را جورانه زیر پا خواهند گذاشت.

تخریب، مضروب کردن و آتش زدن، از جمله فاشیست‌بازیهائی است که بهمین علت ادامه یافته است.

اوباشان به رفقای حزبی ما در اراک هجوم بردند و آنها را بشتند

مجرور و گروم کردند

شب یکشنبه ۵۹/۵/۵، گروهی از چماقداران مجهز به سلاحهای سرد

(چاقو و پنجه‌بکس) به رفقای حزبی

ما در اراک، خیابان حجازی، حمله‌ور شدند و عده‌ای از رفقا را بشتند

مجرور ساختند.

با وجود هشدارهای مکرر حزب توده ایران به مقامات مسئول برای جلوگیری از فعالیت عناصر متشکوک و ضدانقلابی، که در جهت ایجاد تشنج و ناامنی تلاش می‌کنند، و جو مناسبی برای رشد فعالیت ضد انقلاب و تحقق توطئه‌های آن ایجاد می‌کنند، باز هم این عناصر جورانه به اعمال خود ادامه می‌دهند.

برخورد برخی از مقامات متأسفانه غیرمسئولانه و خالی از تعهد به نیازهای انقلاب است. و در سایه همین تعلل‌ها و مسامحه‌کاری‌هاست که عناصر متشکوک، بدون دغدغه، یورش خود را به نیروهای مدتی انقلاب ادامه می‌دهند.

گروهی از همین عناصر بودند که به رفقای حزبی ما در خیابان حجازی اراک حمله‌ور شدند و ۳ نفر از آنها را با چاقو بشتند و مجروح کردند. رفقای مجروح در بیمارستان شهر بستری شدند، یکی از آنها جیمین، که توسط رفقای حزبی دستگیر و به کلانتری ۳ اراک تحویل شده بود، بلافاصله آزاد شد.

آزادای این عناصر و عدم پیگیری در تعقیب و مجازات آنها، ضدانقلاب را در ادامه اعمال خود جسارت و وقاحت بیشتری می‌بخشد.

بمناسبت این واقعه نامه‌ای از طرف سازمان حزب توده ایران در اراک به دادستان دادسرای انقلاب اسلامی اراک تسلیم گردیده است، که در آن، بعد از شرح واقعه، تعقیب و مجازات عناصر مهاجم و تشنج ساز خواسته شده است. ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که با تعقیب جدی و پیگیری این افراد متشکوک مانع از لگدمال شدن قانون اساسی و گسترش توطئه‌های ضد انقلاب شوند.

ملی کردن شرکت سیمرغ گامی است مثبت در جهت بر آوردن نیازهای اقتصادی انقلاب

شرکت سیمرغ با تولید روزانه ۹۰ تن تخم مرغ ۶۰ تن گوشت مرغ ملی اعلام شد. ملی کردن شرکت سیمرغ گامی است مثبت در جهت بر آوردن نیازهای اقتصادی انقلاب.

شرکت‌های بزرگ تولیدی با انحصاری کردن بازاری فروش و تعیین قیمت کالاهای معرفی در سطح بالا و یا با بازی با قیمت‌ها برای ورشکستگی هر چه بیشتر تولیدکنندگان کوچک و یا با احتکار کالاهای معرفی عامل رشد ناامنی‌ها بوده‌اند و با مداخلات جدی که به انقلاب و سالم سازی محیط اقتصادی و اجتماعی می‌زنند، توده‌های زحمتکش را به انقلاب بی‌اعتنا و بی‌اعتقاد می‌سازند.

با ملی کردن شرکت سیمرغ و ادامه تولید در واحدهای تولیدی این شرکت و با برنامهریزی و مدیریت صحیح میتوان رگام‌های اساسی در جهت حفظ منافع زحمتکشان برداشت.

این شرکت در زمان رژیم شاه مخلوع بیش از ۶۰۰۰ میلیون ریال وام (مطابق با بند ج) دریافت داشته است. در شرکت سیمرغ، که مجموعاً ۷ واحد تولیدی را در سراسر کشور دربر می‌گرفت، حدود ۱۰۰۰۰ نفر کارگر و زحمتکشان متمرکز شده‌اند.

اتحلال بزرگ سرمایه‌داری‌های انحصاری و تقویت واحدهای کوچک و متوسط و ایجاد و تحکیم تعاونی‌ها در این زمینه می‌تواند راه‌حلهای حل مشکلات باشد.

گرانی روز افزون هزینه زندگی پر دوش زحمتکشان سکینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

نقشه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول:

منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸

محل دفتر نامه "مردم"

فعالان در اشغال عناصر غیرمسئول است